



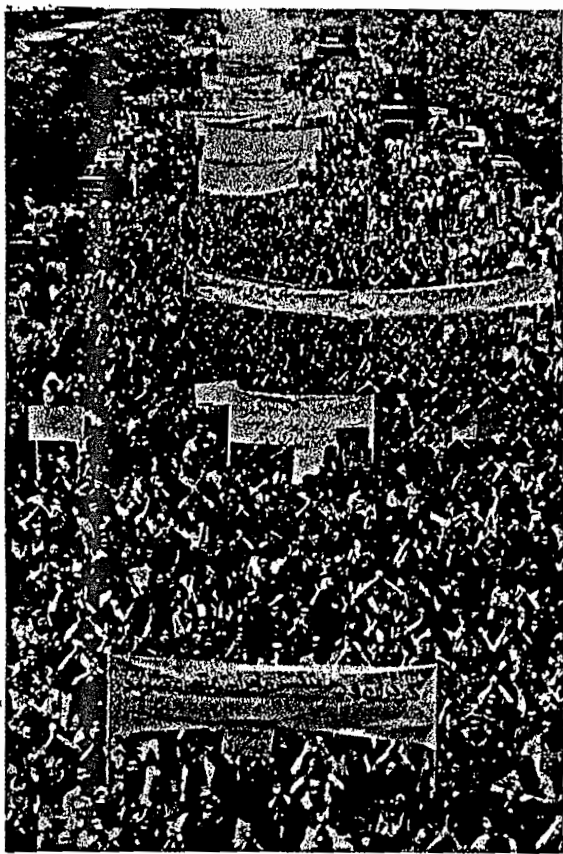
بدعوت شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه در تهران

صدها هزار تن از کارگران و هواداران طبقه کارگر

در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند

روز یازده اردیبهشت (اول ماه مه) برای نخستین بار پس از ۲۰ سال ایران شاهد تظاهراتات شکوهمند کارگران و هواداران طبقه کارگر بود. تظاهرات (۱۱ اردیبهشت بدون تردید در تاریخ مهین حادثه‌ای بی نظیر است. ملیونیهاتن از کارگران زحمتکشان و هواداران آنها قدرت عظیم و تاریخ ساز خود را به نمایش گذاشتند. بی شک این نمایش قدرت، پشت امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آنرا لرزنده است.

در تهران به دعوت شورای هماهنگی برگزاری روز اول ماه مه صد هاتن از کارگران زحمتکشان و هواداران طبقه کارگر در تظاهرات عظیم شرکت جستند. بقیه در صفحه ۲



اتحاد، اتحاد، اتحاد، ای زحمتکشان اتحاد

سرمقاله

کشتار نقده را چه کسانی پدید آوردند؟

رویدادهای دردناک شهرستان نقده که به قتل عام صد هاتن از هم میهنان ما انجامید، یکبار دیگر خلقهای ستمدیده میهن را در اندوه و ماتم فروبرد. ماتم و اندوه مردم تنها به خاطر خواهران و برادرانی که بایک دنیا امیدیه آینده، قربانی منافع انحصار طلبان و خائنان به انقلاب شده اند نیست. مردم عمیقاً نگران سرنوشت انقلاب اند، انقلابی که روز به روز بیشتر در خطر نابودی قرار می گیرد. مردم بانگرانی می پرسند، چه کسانی رویدادهای سنندج، گنبد و نقده را پدید آوردند؟ چرا توطئه گران و عاملان کشتار مردم افشاء نمی شوند؟ چرا رادیو تلویزیون اخبار و وقایع گنبد را در گون جلوه می دهند؟ چرا سخنگوی دولت دروغ می گوید؟ چرا با ایجاد فضای رعب و وحشت و افترا، از بازگو شدن حقایق جلوگیری می شود؟ چرا جانپیکاران و توطئه گرانی که برای ایجاد خفقان و نابودی استقلال و آزادی، در گوشه و کنار میهن به تهدید، شایعه پراکنی و تحریک مردم بر علیه هم، دست می زنند نباید شناخته شوند؟

مردم می خواهند بدانند چه کسانی زیر پوشش کمیته های قتل و غارت مردم نقده برخاستند؟ چه جنایتکارانی به جان و مال و ناموس مردم ستمدیده نقده تجاوز کردند؟ چه کسانی مردم بی سلاح نقده را کنار دیوارها تیرباران کردند؟ چه کسانی کودکان شیرخوار و زنان باردار را تکه تکه کردند؟ عناصر مزدور "قیاده موقت" با کمیته‌ها چه ارتباطی دارند و چرا ارتش به جای حفظ بیطرفی و برقرار کردن آتش بس به حمایت از کمیته ارومیه و عناصر ملاحسنی که در ایجاد فاجعه نقده دخالت مستقیم داشته‌اند، برخاسته و در کشتار مردم شرکت کرده است؟ آیا رهبران از این فجایع خبردارند؟ اگر خبردارند چه تدبیری برای دستگیری و مجازات عاملان این فجایع اندیشیده اند؟

مسلم است که عوامل ساواک، سیا و سرمایه‌داران کارکشته وابسته به امپریالیسم در کمیته ها و دستگاههای دولتی نفوذ کرده‌اند و از آنجا قلب آزادی و استقلال قلب انقلاب خلقهای ستمدیده ایران را نشانه می روند.

اگر پرسشهای مردمی که سخت نگران سرنوشت انقلاب اند، بی جواب بماند، اگر توطئه گران و فرماندهانی که دستور قتل عام زحمتکشان را صادر می کنند، معرفی، محاکمه و مجازات نشوند، اگر چهره های شناخته شده و ناشناخته ای که در کمیته ها و در دولت رخنه کرده و هر روز ضربه تازه ای بر پیکر انقلاب می زنند، هر چه زودتر از قدرت طرد نشوند، مسلم بدانیم که وحدت اقشار و طبقات مردم و وحدت بقیه در صفحه ۲

روستائیان:

دولت حامی اربابان است، یاد دهقانان؟

دهقانان مبارز ایران همگام با دیگر روستائیان در مبارزات و قیام تاریخ ساز خود رژیم سلطنتی وابسته به غارتگران خارجی را به گور سپردند. دهقانان همچون سایر زحمتکشان انتظار داشتند با سرنوشتی رژیم به خواسته های آنها جوابی انقلابی و عاجل داده شود. ولی پاسخ دولت موقت به این خواست انقلابی چه بود؟ دولت همزحمتکشان را که زیر ستم و غارت سرمایه داران و زمین داران رونه نابودی می رفتند به صبر انقلابی! دعوت می کند و از آنها فرصت می خواهد. دولت خود تجربه کرده اند. بقیه در صفحه ۲

نماینده وزارت کار بجای توجه به حقوق کارگران دستور داد:

نماینده کارگران را زندانی کند

بدنبال مذاکراتی که کارگران شهرک اکباتان با کارفرمای این شرکت داشتند، سه شنبه ۲۸ فروردین نماینده وزارت کار برای مذاکره درباره احقاق حقوق عقب افتاده کارگران به محل کمیته شهرک اکباتان حاضر شد و طی مذاکراتی که با نماینده کارگران انجام داد، بعضی رسیدگی به وضعیت کارگران بیکار این شرکت که ماههاست اخراج شده اند و هیچ پولی دریافت نکرده اند، همچون مامورین ساواک رژیم گذشته دست به تهدید و ارعاب کارگران زده و به کارگران گفت:

شماها ضد انقلابی و اخلاک گر هستید. بایستی "خفه خون" بگیرید.

مگر چه مدت از انقلاب مردم ایران گذشته است؟ واقعا چه اندازه وقاحت و بی شرمی می خواهد که با این صراحت کارگرانی را که قسمت عمده جنبش انقلابی ایران بردوش آنها بوده است، ضد انقلابی، اخلاک گرو... بنامیم و به این سادگی بخواهیم خفه شان کنیم. یک توجه مختصر به بخش کوتاهی از برخورد این نماینده مرتجع وزارت کار با نماینده کارگران نشان می دهد چه کسی ضد انقلابی است و چه کسی در کارها اخلاک می کند. بقیه در صفحه ۱۱

کارگران با اقدام انقلابی خود کنترل کارگاه را بدست گرفتند

کارگران با اقدام انقلابی خود کنترل کامل کارگاه را بدست گرفتند. کارگران مبارز شرکت متوساک که از ۲۵ روز تحصن و ۴ روز اعتصاب غذای خود هیچ نتیجه ای نگرفتند، وقتی با جواب سربلای مسئولین امر روبرو گردیدند به این نتیجه رسیدند که بایک عمل قاطعانه خودشان کنترل کارگاه را بدست بگیرند و "چرخهای" آنرا "بکار بیاندازند". بقیه در صفحه ۱۰

تشکیل فوری شوراهای شهر و استان خواست مردم است

جنبش ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم ایران که سرانجام با قیام شکوهمند ۲۱ بهمن به سرنگونی سلطنت ۲۵۰۰ ساله انجامیده هدف اساسی را در خود داشت: ایجاد و بسط آزادیها و دموکراسی برای همه خلقهای ایران، قطع کامل نفوذ اقتصادی سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و بهبود زندگی زحمتکشان. مردم ایران که بیش از نیم قرن توسط حکومتهای وابسته به امپریالیسم بقیه در صفحه ۲

ترور آیت الله مطهری را محکوم میکنیم

ماترور تاسف آور آیت الله مرتضی مطهری را مخالف با مصالح خلق و انقلاب تلقی کرده آنرا محکوم می کنیم. یک بار دیگر یاد آور می شویم در شرایط فعلی که امپریالیسم بین المللی و عوامل زخم خورده ارتجاع در کمین نشستند تا با دامن زدن به تشنجات موجود اساس پیروزیهای بدست آمده را درهم ریزند، اقدامات تروریستی و تاراجیستی عملا بسود امپریالیسم و ارتجاع تمام می شود. معتقدیم تمام نیروهای ضد امپریالیست ملی، دمکراتیک و مترقی باید در یک فضای آزاد از طریق مسالمت آمیز خواسته ها و نیازهای خویش را مطرح ساخته همگام همراه با هم در جهت تحقق آرمان های انقلابی خلق بکوشند. اینگونه اقدامات توطئه گرانه از جانب هرکس و با هر نیتی که انجام شود زیانش مستقیما متوجه اساس آزادیهای بدست آمده خواهد بود.

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

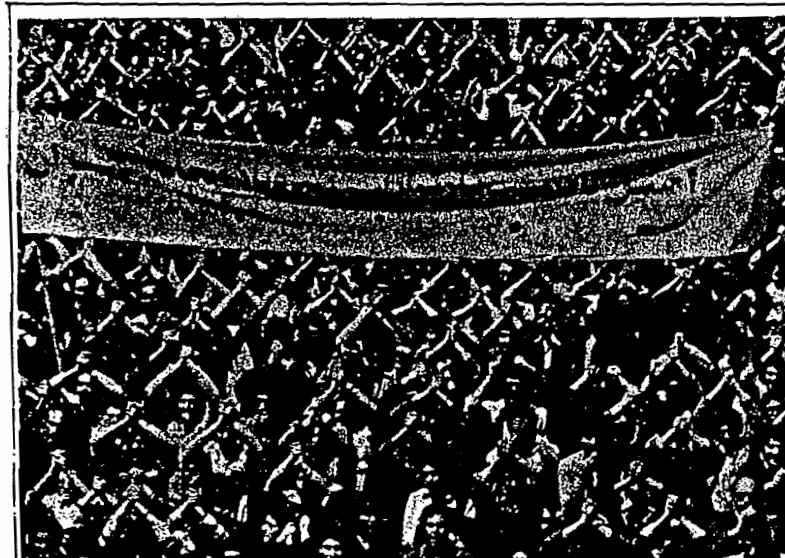
تشکیل فوری شوراهای شهر و استان ...

از داشتن آزادی و دموکراسی واقعی محروم بودند، با سرنگونی رژیم پهلوی بی صبرانه خواهان ایجاد نهادهای دموکراتیک و تضمین آزادیهای اساسی خود هستند. یکی از راههای اعمال حاکمیت خلق، شرکت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خویش است. این امر بمعنای آنست که مردم بتوانند در امور کشور از ابتدای ترین تا مهمترین آن دخالت کنند. نهادهای دموکراتیک که میتوانند این شرکت در سرنوشت را بر حلقه عمل در آورد عبارتست از شوراهای شهروستان در محدوده محلی و مجلس شورای ملی در سطح کشوری. هفتاد سال پیش که انقلاب مشروطیت به وقوع پیوست، بلافاصله هر دو ایالتی نهادها بوجود آمدند. انجمنهای ایالتی و ولایتی بموازات تشکیل مجلس شورای ملی در تمام شهرهای ایران برقرار شدند. تشکیل این انجمنها تمام مردم را در مسائل مملکتی و در سرنوشت خود شرکت داد. نگاهی به تاریخ نشان می دهد که همین انجمنها بودند که دستاوردهای انقلاب را حفظ کردند. موقعی که محمد علی شاه به دشمنی با مردم برخاست و مجلس را به توپ بست و آزادیخواهان را با زور داشت کرد و در باغش کشت، همین انجمنها بودند که مسلحانه به دفاع از آزادی برخاستند و با یاری خود توانستند محمد علی شاه مستبد را شکست داده و آزادی و دموکراسی را احیا کنند. در میان ایمن انجمنها نقش انجمن ایالتی تبریز که مجاهدینی چون ستارخان و باقرخان و حیدر عمو و غلوی آنرا رهبری می کردند برجسته است. ضرورت تشکیل این انجمنها که نجر به عملی مردم ایران حقانیت آنها را ثابت کرد باعث شده که در متمم قانون اساسی اصول ۹ تا ۳۹ به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی اختصاص داده شود.

محتوای اساسی این انجمنها در چهار اصل خلاصه می شود. سراسری بودن آنها با انتخاب مستقیم و بلاواسطه نمایندگان از طرف مردم محلی، نظارت آنها بر تمام مسائلی که به عامه مردم مربوط می شود، نظارت آنها بر دخل و خرج ایالات و ولایات هر اندازه مردم به ضرورت ایجاد و

صدها هزار تن از کارگران ...

در نخستین لحظات بامداد روز ۱ اردیبهشت تظاهرات کردند. گان در جلوی خانه کارگر در خیابان ابوریحان گرد آمدند. در ساعت ۹ بامداد، دیگر در خیابان ابوریحان جای سوزن انداختن نبود و هنوز لحظه به لحظه بر سیل جمعیت افزوده می شد. بطوریکه در ساعت ۹ که آغاز راهپیمایی بود، بسیاری از شرکت کنندگان در تظاهرات، ناچار در خیابان انقلاب و خیابان جمهوری متوقف شده بودند. هنگامی که جلوصف تظاهرات به چهارراه اسلام رسید هنوز



کارگر، برزرگر، رنجبر، ای کارگر ما با هم متحد می شویم، تا با هم برکنیم ریشه استثمار

د ناله صف در خیابان ابوریحان بود. شعارهای اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد، سرمایه وابسته ملی باید گردد، آمریکا، آمریکا دشمن خلق ایران، فلسطین فلسطین، متحد خلق ما و دهها شعار دیگر تهران را به لرزه در آورده بودند. مردم در مسیر تظاهرات گان با کف زدن و پرتاب گل از کارگران و زحمتکشان مبین که مخوفترین و جنایتکارترین رژیم تاریخ را سرنگون کرده اند استقبال می کردند.

عناصر مرتجع و ناآگاه که منطقی جز فحاشی، افترا و پرخاشگری ندارند، بارها کوشیدند صاف چندین کیلومتری تظاهرات کنندگان را دچار بی نظمی کنند. اما زنان و مردان کارگر و

تقریباً در همه شهرهای مبین تظاهرات شکوهمند اول ماه مه جریان داشت. در زیر تظاهرات برخی از شهرستانهایی را که تا این لحظه اخبار آن به دست ما رسیده است نقل می کنیم.

ادای کلمات رکبک و مستهجن می کوشیدند محیط را متشنج کنند. گنبد و ترکمن - در این دو شهر نیز تظاهرات باشکوهی برپا شد که هزاران تن در آن شرکت داشتند. * * * آبادان - هزاران تن از کارگران و هواداران طبقه کارگر در تظاهراتی باشکوه شرکت کردند. چاقو کشتهای عناصر مرتجع و آلت دست بارها کوشیدند در گریزی ایجا کنند، اما موفق نشدند.

بقیه از صفحه ۱

در هفته گذشته تشکیل شوراهای شهر و استان از جانب آیت الله طالقانی مطرح گردید و اخیراً خواسته شده که آئین نامه چنین شوراهایی تدوین شود. با توجه به آنچه در بالا گفته شد تشکیل چنین شوراهایی از انتظارات قاطبه مردم است و لذا انتشار این خبر در بین مردم بسیار استقبال زیادی روبرو شده است. ماهمان طوریکه بلافاصله پس از انتشار این خبر نظر موافق خود را با تشکیل این شوراهای شهر و استان اعلام کردیم، معتقدیم که شوراهای شهر و استان مانند سایر شوراهایی که توسط اقشار و طبقات مردم تشکیل می شوند، نهادهای قدرتی هستند که مردم توسط آنها حاکمیت خود را در مسائل که مربوط به آنهاست اعمال می کنند. با تشکیل این شوراها مسئله حراست از انقلاب هم حل می شود. به این ترتیب که خود این

بقیه از صفحه ۱

حفظ این انجمنها بیشتر معتقد می شدند، ارتجاع و امپریالیسم از وجود این انجمنها بیناگتر می شد. به همین دلیل ارتجاع داخلی بدستور اربابان امپریالیستش مبادرت به خلع سلاح آنها کرد و سپس با کودتای رضاخان و تسلط مجدد کامل امپریالیسم انگلستان بر ایران به فعالیت های این نهادهای دموکراتیک خاتمه داد. این واقعیت غیر قابل انکاری است که اگر انجمنهای ایالتی و ولایتی به همان شکل صدر مشروطیت خود یعنی بصورت مسلحانه وجود داشتند، قدرتی نظیر رضاخان میزینج با تعدادی قزاق نمی توانست کودتا کند و بر احوالی زمام امور را بدست گیرد و تمام آزادیهای مردم را لگد کوب کند. به این ترتیب از زمان انحلال این انجمنها تا کنون مردم ما از اعمال حق حاکمیت خود در سطح محلی محروم بوده اند.

بقیه از صفحه ۱

با قیام مردم و سرنگونی رژیم سلطنتی مردم ایران بطور طبیعی در فکری ایجاد نهاد های دموکراتیک اعمال قدرت واقعی خود در سطح محلی و کشوری بودند. پیشنهاداتی که تحت عنوان شوراهای محلی و شهری حتی قبل از قیام مطرح می شد در همین رابطه بوده است.

در گذشته گذشته تشکیل شوراهای شهر و استان از جانب آیت الله طالقانی مطرح گردید و اخیراً خواسته شده که آئین نامه چنین شوراهایی تدوین شود. با توجه به آنچه در بالا گفته شد تشکیل چنین شوراهایی از انتظارات قاطبه مردم است و لذا انتشار این خبر در بین مردم بسیار استقبال زیادی روبرو شده است. ماهمان طوریکه بلافاصله پس از انتشار این خبر نظر موافق خود را با تشکیل این شوراهای شهر و استان اعلام کردیم، معتقدیم که شوراهای شهر و استان مانند سایر شوراهایی که توسط اقشار و طبقات مردم تشکیل می شوند، نهادهای قدرتی هستند که مردم توسط آنها حاکمیت خود را در مسائل که مربوط به آنهاست اعمال می کنند. با تشکیل این شوراها مسئله حراست از انقلاب هم حل می شود. به این ترتیب که خود این

تبریز - در تبریز هزار تن از کارگران و هواداران طبقه کارگر در تظاهراتی باشکوه شرکت کردند، عناصر مرتجع و ضد کارگری چندین بار به صف تظاهرات حمله کردند و کوشیدند صاف چندین کیلومتری تظاهرات کنندگان را دچار بی نظمی کنند. اما زنان و مردان کارگر و

کشتار قده را چه ...

خلقهای ایران، با خطراتی جدی روبرو خواهد شد. اگر آنها بی که به اجتماع مردم گنبد مسلحانه یورش بردند و فاجعه گنبد را فاجعه نرده تکرار می شد؟ دیدیم که وقایع گنبد را در گون جلوه گر ساختند و به جای معرفی و مجازات توطئهگران، انقلابیون را مسبب رویدادهای شوم گنبد معرفی کردند و برای مدتی کوتاه برخی از مردم رانیز به اشتباه انداختند. آیا همین شیوه هادست ضد انقلاب را با زنی گذارد و آنان را به ادامه جنایت های خود تشویق نمی کند؟ بدون تردید اگر عوامل خونریزی های گنبد و سنج به سزای اعمال خود می رسیدند، فاجعه نرده تکرار نمی شد و ضد انقلاب تا بدین حد نیرو نمی گرفت.

ما لب فرو بستن را در این شرایط حساس خیانت به آرمان انقلاب و خیانت به خلقهای مستعبد می بینیم. ما سکوت در برابر این فجایع راهم دست می بینیم. توطئهگران و عوامل امپریالیسم می دانیم. اگر آزادیخواهان و مجامع مترقی تسلیم تهدید و ارعاب شوند، اگر خطر ضد انقلاب را دست کم بگیرند، اگر روزنامه ها در برابر سیل تهدیدات و فشارهای دشمنان آزادی تسلیم شوند، اختناق با تمام جنبه های ضد انقلابی و نفرت انگیزش بر همه شئون مبین مسلط خواهد شد و راه را بر سلطه کامل امپریالیسم هموار خواهد ساخت. باید امروز از آزادی و استقلال مبین دفاع کنیم و فردا خیلی دیر است.

* * * * *

همبستگی

کارگران بیکار شهسوار با کارگران بیکار سراسر کشور

کارگران و کارمندان شرکت کازان شهسوار در بیانیه ای چنین نوشته اند:

" ما کارگران و کارمندان شرکت کازان شهسوار که از هشت ماه پیش بعلت انحلال شرکت بیکار شده ایم همبستگی خود را با کارگران بیکار سراسر کشور اعلام می داریم و هرگونه اقدام تحریک آمیز و ضد کاری را محکوم می کنیم.

ما که در جریان مبارزات خلق ایران علیه استبداد و استثمار تاپای جان شرکت داشتیم اجازه نمی دهیم " گروهی از راه رسیده " که اعمالشان نشان می دهد نمی توانند نمایندگان خلق ایران باشند، برای ما تعیین تکلیف کنند.

ما اعلام می کنیم سرنوشت کارگر

باید بدست کارگر تعیین شود و به همین خاطر توطئه هارافشاخ خواهیم کرد.

ما خواهان رسیدگی فوری به وضع کارگران و کارمندان بیکار سراسر کشور، پرداخت حقوق ایام بیکاری بر مبنای آخرین دستمزدها و همچنین ملی کردن شرکتها و کارخانه هایی که وابسته به بیگانه بوده اند یا صاحبان متواری شده اند هستیم.

همچنین اعلام می کنیم آقای "تقی شافیان" نماینده سابق مورد قبول و تأیید ما نیست و نمایندگان واقعی رسیدگی به حسابهای مدیران و صاحبان شرکت و فروش اموال و اتمبیلیها جهت پرداخت قسمتی از حقوق کارگران بیکار را انجام خواهند داد.

کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز:

بیشتر مدیران سر بار کارخانه ها هستند

تبریز - در جلسه ای که روز چهارشنبه ۵۸/۱/۲۹ کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز با هیئت مدیره کارخانه داشتند مسائل و مشکلات کارگران مطرح شد. از جمله کارگران خواستار کم شدن تعداد کنترل های کارخانه از ۱۵ نفر به سه نفر و نیز کاهش ماشین نویسیهای زائد بودند. اما هیئت مدیره می گفتند اینها لازم هستند و در عوض می خواستند تعداد کارگران را کاهش دهند.

یکی از نمایندگان کارگران که در این مذاکرات شرکت داشته توضیحاتی به کارگران می دهد که قسمتی از آنرا عیناً نقل می کنیم.

" نمایندگان کارگران و مدیران برای مذاکره دوریک میز نشستند. در یک طرف مدیرها بودند و بالباسهای گران قیمت "اطوکشیده" و قیافه هایی که "بی خیالی" و راحت طلبی آنها را نشان می داد و در طرف دیگر ما کارگران بالباسهای کاز، پوتین های گشاد و چهره های پرا فروخته، خواهان اخراج مفتخوران و بیشتر مدیران که " سر بار" کارخانه هستند و همچنین افزایش حقوق و کم شدن فشار کار بودیم. اما مدیران که خیال می کردند ما با آنها شوخی می کنیم به هیچکدام از این خواستها توجه نکردند و در عوض با پرویی خواستار کم شدن تعداد کارگرا شدند. ما

به آنها گفتیم کارگران خواهند بود و مدیران خواهند رفت. هیچ دلیلی ندارد یک مدیر پانزده برابر کارگر حقوق بگیرد. به هر حال ما با مدیران دو ساعت مذاکره کردیم اگر چه از این مذاکرات نتیجه مشخصی نگرفتیم ولی توانستیم یک چیز را به آنها ثابت کنیم که کارگران با کسی شوخی ندارند و حقتان را به زودی می گیرند. " بر اساس خبرهای رسیده کارگران ماشین سازی تبریز در اجتماعات و جلسات کاری خواستهای خود را مطرح کرده و به تلاش خود برای رسیدن به این خواستها ادامه می دهند.

اخبار کوتاه

خواستههای کارکنان شرکت واحد تبریز

گزارشی از بیمارستان آذر تبریز

ما کارگران بیمارستان آذر تبریز از وضع حقوقی و مزایا و پاداش خیلی ناراحت هستیم. ما در بیمارستان ۱۲ ساعت کار می کنیم و حقوق ۸ ساعت را به ما می دهند و به وضع ما هیچ توجهی ندارند و صدها مرتبه به رئیس بیمارستان گفته ایم که وضع ما این جور است، ولی هیچ جوابی نداد. است و آخر سر هم گفته اگر خوشتان می آید، کار کنید، خوشتان نمی آید کار نکنید. بیمه خیلی ناچور است. با اینکه کارگر بیمارستان هستیم از لحاظ بهداشتی به ما نمی رسند و هم اکنون نیز یکی از کارگران پاهایش ورم کرده است. اما دکترهای بیمارستان این کارگر را معالجه و عمل نمی کنند، بیمه ندارد و کسی هم رسیدگی نمی کند.

کارگران نمایندگان خود را انتخاب کردند

تبریز (مرد) - ۴۰۰ نفر کارگران بارهای عمومی ایران " شرکت سهامی عام " در ۲۰ کیلومتری جاده تبریز - مردن، طی دو ماه مبارزه پیگیر موفق شدند کمیته اسلامی ۲۵ نفره را لغو کنند و در طی انتخابات عمومی، ۶ نفر نماینده خود را انتخاب کنند. کارگران قبل از فروردین ماه برای ۳۵ روز حقوق و سود ویژه دست به اعتصاب زده بودند. رئیس گمرک در جمع کارگران حضوریافت و گفت که دشمن بیسن شما، بدون آنکه خودتان بدانید، نفوذ کرده و برای آنکه اقتصاد فلج شود شما را دعوت به اعتصاب کرده. من از شما می خواهم. احم به سر کارتان بروید، دیگر رژیم قبلی نیست. کارگران در جواب حرفهای رئیس گمرک گفتند که " ما کاربندی نمی کنیم فقط می گوئیم سود ویژه بدهید ". به دنبال شکایت کمیته اسلامی ۵ نفر از

کارمندان را پاسداران مسلح به اتهام تحریک کارگران بازداشت کردند و کمیته بنایی (حکم آباد) بردند. کارمندان شرکت به این امر اعتراض کردند و کمیته بازداشت شدگان را آزاد کرد و حتی حاضر شد که از کارگران و کارمندان معذرت خواهی کند. در تاریخ ۵۸/۱/۲۱ یک نفر برای معذرت خواهی به شرکت آمد، اما کمیته اسلامی انبارهای عمومی تهدید کرد که نبایستی از کارگران و کارمندان معذرت خواهی شود. کارگران به کمیته اسلامی اعتراض کردند و گفتند که ما این کمیته را قبول نداریم و به نمایندگی نمی شناسیم. خودمان صحبت هایمان را می کنیم و نماینده انتخاب می کنیم و به این ترتیب در تاریخ ۵۸/۱/۲۲ کمیته اسلامی لغو شد و کارگران خود در یک انتخابات ۶۱ نفر را به نمایندگی برگزیدند.

موفقیتهای کارگران شهرداری سنندج

سنندج - نمایندگان کارگران شهرداری سنندج در مذاکرات موفقیت آمیزی که با استاندار کردستان داشتند به خواستههای زیر رسیدند: صدور احکام استخدامی برای کلیه کارگرانی که یکسال سابقه کار دارند، پرداخت جیره غیر نقدی، افزایش

وجه پرداختی برای دودست لباس زمستانی و تابستانی از ۴۰ تومان به ۷۵ تومان (برای هر دست لباس)، پرداخت روزانه ۲۵ ریال بول شیرو تا مین و وسایل ایمنی. در مورد افزایش حق مسکن از ۱۵ تومان به ۶۰ تومان و سایر خواستهها مذاکره ادامه خواهد داشت.

خواستههای کارگران مترو تهران

تهران - گروهی از کارگران شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهان بازگشت به کار و دریافت حقوق و مزایای ماههای گذشته شدند. آنها تاکنون چند جلسه با نمایندگان وزارت کار و مسئولان شرکت داشته اند که ظاهراً به آنها گفته شده " ماشین آلات شرکت را می فروشیم و حقوقتان را می دهیم ". تلاش این کارگران برای رسیدن به خواستههایشان ادامه دارد.

حقوق کارگران نباید پایمال شود

تهران - کارگران و کارمندان آجوسازی شمس در قطعه نامه شماره ۲ خود یادآور شده اند: اکنون که کارخانه های مشروب و آجوسازی تعطیل شده نباید به هیچ عنوان حقوق کارگران این کارخانه ها پایمال شود. خواستههای آنها:

- ۱- کارگران و کارمندان در صورت تمایل باید در کارخانه های دیگری که "سهاکیان" و " سرکیان " (مالکان کارخانه آجوسازی) دارند به کار مشغول شوند و کلیه حقوق کارگران و کارمندان تا روشن شدن وضع کارخانه باید پرداخت شود (این موضوع شامل کارخانه در دست ساختمان کرج هم می شود) .

بررسی وضع کارگران

کوره پزخانه های دزفول

کارگران کوره پزخانه های دزفول از ابتدای ترین وسایل رفاهی زندگی محرومند. مسکن آنها در نقاط متروک و قدیمی شهر و اکثراً بشکل زناغه است. این کارگران هیچگونه حمایت و پشتوانه شغلی اعم از حقوق بازنشستگی، حق مسکن ندارند. از نظر درمانی به وضعیتشان رسیدگی نمی شود. اکثر کارگران کارخانه مسن هستند و سالیان دراز است که در همین کوره پزخانه ها کار می کنند. اکنون این سؤال برای کارگران مطرح است که تاکی این وضع ادامه خواهد یافت؟

تصمیمات نمایندگان کارگران، نماینده دفتر هواداران سازمان و استاندار کردستان:

درباره کارگران بیکار

- ۱- سنندج - در جلسه ای که اواخر فروردین ماه با حضور نمایندگان اتحادیه کارگران سنندج، کمیته کاری، دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، استاندار و نمایندگان ادارات کار، دارای دفتر برنامه و بودجه و شرکت های ساختمانی و راه سازی در محل استانداری تشکیل شد مذاکراتی انجام گرفت و موافقت نامه ای به تصویب رسید. در این جلسه مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی کردستان گفت در سطح استان بیش از هفت هزار کارگر بیکار وجود دارد. نماینده کارگران و نماینده دفتر هواداران سازمان نیز درباره مسائل و مشکلات کارگران بیکار سخن گفتند و خواستار راه حل های بلند مدت و کوتاه مدت برای حل این مساله شدند. در پایان جلسه تصمیمات زیر به تصویب رسید.
- ۲- در مورد پرداخت حقوق و مزایا و مطالبات قانونی کارگرانی که قبلاً در کارگاههای پیمانکاران مشغول به کار بوده اند قرار شد که با نظارت اداره کار، اتحادیه کارگران و دفتر هواداران سازمان اقدام شود.
- ۳- اساسی و مشخصات کارگران از کار افتاده از طرف اتحادیه کارگران و دفتر هواداران سازمان تهیه شود تا اقدام لازم برای پرداخت مستمری ماهانه انجام گیرد.
- ۴- پرداخت حداقل هزینه زندگی و وام بدون بهره به کارگران تا زمان اشتغال به کار آغاز خواهد شد.

کارگران نفت لاوان:

اجازه نمیدهم طرح ضد کاری اجرا شود

جزیره لاوان - کارگران شرکت نفت لاوان در قطعه نامه ای به مسئولان این شرکت اخطار کرده اند که اجازه نخواهند داد طرح ضد کاری که در رژیم گذشته تدوین شده بود به اجرا در آید.

در این قطعه نامه آمده است: " ما کارگران شرکت نفت لاوان به کلیه مقامات مسئول این شرکت اعلام می داریم به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد طرح ضد کاری را که در رژیم متغور سابق در مورد کسر مزایا به میزان ۴۵ درصد درازای یک هفته کار یک هفته استراحت، تدوین شده بود، به مرحله اجرا در آید. ما همچنان بر طبق برنامه کنونی به کار ادامه می دهیم و اعلام می کنیم تا پیش از مذاکره مسئولان شرکت با نمایندگان منتخب کارگران، هرگونه کسر مزایا از حقوق کارگران با اقدامات و عکس العمل شدید از طرف کارگران روبرو خواهد شد.

رنالیسم انتقادی چه کمبودهایی داشت؟

سخنی با خوانندگان صفحه ادبیات کارگری

ملازم می دانیم از همگی دوستانی که به درخواست ما پاسخ مثبت دادند و آثار خود را برای ما فرستادند صمیمانه تشکر کنیم. متأسفانه امکانات محدود این صفحه به ما اجازه نمی دهد که در هر شماره آثار بیشتری را چاپ کنیم و بسیاری از اشعار یا مدت زیاد در انتظار چاپ باقی میمانند و یا اصولاً امکان چاپ پیدا نمی کنند. شاید مادر آینده بتوانیم برگزیده‌های از این آثار را بصورت جزوه یا کتاب جداگانه‌ای چاپ کنیم. بخصوص مادر مقابل آن رفقای احساس شرمندگی می کنیم که اشعار بسیار خوبی در

ستایش از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مبارزات آن یاد بزرگداشت رفقای شهید ما سروده اند، ولی ما تصمیم گرفته ایم در این صفحه از چاپ آن‌ها صرفاً جنبه تبلیغ برای سازمان دارد خودداری کنیم. اگر مورد مناسبی پیش آمد برخی از این آثار را چاپ خواهیم کرد و اگر گره‌ها جداگانه ای به چاپ برسانیم. با سپاس گزاری از همه شما، امیدواریم با همکاری شما ادبیات کارگری غنای بیشتری پیدا کند.

رنالیست های انتقادی اوایل قرن نوزدهم سعی می کردند با دقت یک دانشمند جامعه شناس به مطالعه واقعیت های جامعه بپردازند و آن را تحلیل کنند. به همین دلیل در آثار خودشان به خوبی نشان می دادند که دیگر عمر جامعه سرمایه داری به سر آمده و این جامعه نمی تواند منافع حقیقی و نیازهای زحمتکش و سعادت آنها را تامین کند. اما آنها از درک علت های زوال سرمایه داری و همچنین از یافتن راه صحیح حل تضادهای این جامعه و شناخت نیروهای که باید سرمایه داری را به گور بسیارند و جامعه آینده را بنا کنند، عاجز بودند.

اگر بخواهیم همه کمبودهای رنالیست های انتقادی را در یک کلام خلاصه کنیم، باید بگوئیم که اشکال کار آنها در این بود که به بینش علمی و جهان بینی سوسیالیستی مجهز نبودند. یعنی در واقع به طبقه کارگر تعلق نداشتند و طبعاً با جهان بینی آن هم بیگانه بودند. این بیگانگی با جهان بینی طبقه کارگر، به اشکال مختلف در آثار آنها منعکس می شد و کمبودهای زیادی را به دنبال می آورد که عمده ترین آنها از این قرار بود:

۱- با آنکه نشان می دادند که شخصیت هر فرد و اخلاق و روحیات او در جامعه و تحت تاثیر محیط شکل می گیرد، باز در مواردی رابطه را بشکل معکوس می دیدند. گاهی آنها فکر می کردند که یک آدم سرمایه دار زالو صفت و پول پرست را می شود با نصیحت و پند و اندرز تغییر داد و به همین ترتیب جامعه را میتوان از راه اخلاقیات اصلاح کرد.

۲- اگرچه نقش توده های مردم را در ساختن تاریخ تاحدی درک کرده بودند اما درک آنها ناقص بود و بخصوص از نقش مشخص طبقه کارگر و رسالتی که ایی طبقه در انهدام سرمایه داری و ساختمان جامعه بی طبقه برعهده دارد، غافل بودند. اصولاً برخورد آنها با جامعه سرمایه داری بصورت یک اعتراض و پرخاش فردی بود. آنها اغلب نمی توانستند درک درست و کاملی از مبارزه طبقاتی داشته باشند و قهرمان آنها یک فرد بود. با خصوصیات خاص خودش.

۳- با آنکه توجه به تاریخ یکی از خصوصیات عمده رنالیسم انتقادی است؛ اکثر واقعیت تاریخ را هم بدرستی نمی شناختند. مثلاً بعضی از آنها که می دیدند انقلاب کبیر فرانسه حاصلی برای توده های مردم نداشته و باز طبقات حاکم بر زحمتکش مسلط شده اند و همینطور انقلابات دیگری هم که شده همه شکست خورده و چیزی عاید مردم نشده، اینطور نتیجه می گرفتند که تاریخ تکرار می شود. این عده فکر می کردند که همیشه در تاریخ به جای هراستبداد، استبداد دیگری می آید و هر شکل استثمار، جایش را به شکل دیگری از استثمار می دهد. درک سایر رنالیست های انتقادی از تاریخ هم بی نقص نبود.

۴- جهان بینی آنها یک جهان بینی بورژوازی بود. به همین دلیل در قرن

بیستم که ناقوس مرگ سرمایه داری بطرز جدی تری بصدا درآمد، خیلی از رنالیست های انتقادی زوال سرمایه داری را اصولاً زوال تمدن بشری و فرهنگ انسان تلقی کردند و خیال کردند که دیگر دنیایه آخر رسیده. آنها نمی توانستند درک کنند که در کنار زوال سرمایه داری، نیروهای دیگری در حال رشد هستند و تمدن و فرهنگ جدیدی را پایه گذاری خواهند کرد. در آثار آنها، برخلاف آثار رنالیست های اولیه، بدبینی و نومیدی و سرخوردگی دیده می شد.

۵- آنها از جامعه سوسیالیستی که باید جایگزین سرمایه داری می شد درک درستی نداشتند و طبعاً راه تحقق بخشیدن به آن و نیروهای را که باید در راه آن مبارزه می کردند بخوبی نمی شناختند.

۶- موثعی شناخت کامل واقعیت ممکن است که آدم در درون آن باشد. رنالیست های انتقادی معمولاً طبقه کارگر و جامعه سوسیالیستی را از بیرون بررسی می کردند و از همین نظر شناخت آنها دقیق و درست نبود. بعضی از رنالیست های انتقادی، برای آنکه به این اشکال برخورد نکنند، از واقعیت طفره می رفتند و اصولاً به جامعه آینده و حل تضادهای موجود در جامعه نمی پرداختند. آنها به جای تحلیل مبارزه طبقاتی، فقط تاثیرات روانی و اخلاقی آن را در افراد نشان می دادند. چنین ادبیاتی البته خیلی بیروح و کسل کننده از آب درمی آمد.

* * *

می بینیم که تمام این کمبودها به کمک جهان بینی علمی و سوسیالیستی قابل رفع است. مزیت عمده رنالیسم سوسیالیستی نیز بهره گیری از همین جهان بینی است. یکی از رنالیست های انتقادی آلمان به نام "هاینه" می گوید:

"سوسیالیسم موثرترین راه مبارزه با نیروهای است که نویسندگان بورژوا همواره علیه آن جنگیده اند."

پیش از آنکه به رنالیسم سوسیالیستی بپردازیم، بد نیست ببینیم در حال حاضر ما با رنالیسم انتقادی چگونه برخوردی باید داشته باشیم؟ آیا آن را در کنار رنالیسم سوسیالیستی می دانیم یا در مقابل آن؟ و آیا در یک جامعه سوسیالیستی چه سرنوشتی در انتظار رنالیسم انتقادی است؟

رنالیسم انتقادی و رنالیسم سوسیالیستی به عنوان دو هم‌مرز

با وجود تمام کمبودهایی که برای رنالیسم انتقادی برشمردیم، باز باید توجه کنیم که این سبک، یک سبک هنری و ادبی مترقی است و باید از آن در مقابل شیوه های غیر رنالیستی حمایت کنیم. مهم ترین دلایل ما از این قرارند:

۱- ما پیش از این به اهمیت توصیف و تحلیل واقعیت اشاره کرده ایم، و حتمی گفتیم که هرگونه توصیف واقعیت با هر دیدی که باشد، ضربه ای است بپیکر سرمایه داری.

۲- رنالیسم انتقادی و رنالیسم سوسیالیستی هر دو با هم برعلیه نظام سرمایه داری طغیان کرده اند و از آن انتقاد می کنند یا آن را محکوم می کنند. بنابراین این باید یک هم‌مرز و هم‌سنگر هستند. اگر ما رنالیسم انتقادی را طرد کنیم مثل این خواهد بود که یکی از سلاح های خود را در مبارزه بر علیه سرمایه داری به دور بیندازیم و از آن استفاده نکنیم.

۳- رنالیسم انتقادی حتی از برخی جهات می تواند در خدمت رنالیسم سوسیالیستی باشد. مثلاً رنالیست های انتقادی بهتر می توانند سرمایه داری در حال زوال و تاثیر زوال آن بر افراد وابسته به جامعه کهن را توصیف کنند، چون خودشان در درون بورژوازی قرار دارند و مسائل آن برایشان ملموس و روشن است.

بنابراین روشن است که رنالیسم انتقادی در جامعه سوسیالیستی هم تا مدتی دراز وجود خواهد داشت و حتی نقش مثبت بازی خواهد کرد. زوال رنالیسم انتقادی تدریجی خواهد بود نه ناگهانی. سرانجام جامعه وضعی پیدا خواهد کرد که فقط رنالیسم سوسیالیستی از عهده توصیف آن بر خواهد آمد. در شماره بعد در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد.

مخالفت	من ناموافقم
من یک مخالفم	باهرچه با اسارت انسان موافق است
من یک مخالفم	من با تعصبات گروهی بشر ناموافقم
گرد خیال تو	با عاملان و شایعه سازان ارتجاع
اینک مخالفان همگی مارکسیستند	من با مخالفان بیان عقیده ها
بسیار صادقانه من اقرار می کنم	آتش کشندگان ستاد چریکها
بسیار صادقانه	با انتخاب و نحوه کار کمیته ها
کمونیست نیستم	باهرچه از رژیم برافزاده مانده جا
زیرا که تاکنون	بی چون و چرا و سراپا مخالفم ...
لیاقت آنرا نداشتم	(۵۷/۱۲/۲۶)
	از: ک. گ. (ارومیه)

هموطنان مبارز
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمائید
تهران - خیابان بلوار، خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹
آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تهران - بانک ملی ایران، شعبه دانشگاه. شماره حساب ۳۲۰۹۸
بنام عباس فضیلت کلام
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم، فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

شعر
یابره نه ها
اصحاب کف
در روزگار ما
باردگر ز غارها، زان سوی آب ها
بیرون خزیده اند
بی هیچ زحمتی
دارندگان سکه ی دقیانوس
در چشم و گوش خلق
در نیش جام جم
دکان کفش فروشی گشوده اند
تا پابرهنه ها
در عالم خیال
از نعمت تصاحب یک جفت کفش نو
مسرور شوند.
شاید به این امید
شاید در این خیال
شاید در این سراب
پای از مسیر جنبش خلقی برون نهند
اماد ریخ و درد، شمایان
اصحاب کف
در خواب بوده اید
بمالید چشمتان
ما خود ز خیل غار نشینانیم
ما سالهای سال
در سرزمین غار
در عمق غارها
بی خواب و بی قرار
در زیر تازیانه ی جلاد کینه توز
بیدار مانده ایم
خوابیدگان روز
مادرش سیاه
در ظلمت فشرده ی غار مخوف شهر
با چشم های بسته تماشا نموده ایم
صبح سپید جنبش این خلق قهرمان
اصحاب کف گران خواب عصر ما.
دارندگان سکه ی دقیانوس
در اینجا چه می کنید
در نیش جام جم؟
یک لحظه بنگرید.
هنگامه ی عظیم
پیکار توده ها
پیکار خلق ها
توفان انقلاب
یک لحظه گوش دهید این خورش را
کاید برون ز حنجره ی توده های خلق
"زحمتکش جهان متحد شوید"

(این شعر در تاریخ ۵۷/۱۲/۹ سروده شده و متأسفانه خیلی دیر به دست ما رسیده است).
از: رخساره



گزارشی درباره ماهیگیران شمال

ماهیگیران یکی از مستمدهترین اقشار زحمتکش خلق ما هستند که حتی در سخت ترین و خطرناکترین شرایط جوی ، به دریا می زنند تا با صید ماهی مخارج زندگی خود را تامین کنند . شرایط ونحوه کار آنها در شمال کشور طوری است که بیشتر به کارگران فصلی نزدیک هستند تا به کارگران دائمی کارخانجات . و به همین دلیل همگی ناگزیر هستند تقریباً نیمی از سال را بیکار دیگری بپردازند . بخش زیادی از این ماهیگیران کشاورز هستند و آن نیمه سال را که صید ماهی امکان پذیر نیست روی زمین کاری می کنند . عده های نیز مدتی که صید صورت نمی گیرد ، بدنبال کاری می گردند و اینجا و آنجا به کارهای مختلف ارجحاً به کار ساختمانی می پردازند .

این گروه زحمتکش ، باتمام این خصوصیات مشترک بخاطر وضع کارشان به سه بخش متمایز تقسیم می شوند . کارگران شیلات ، ماهیگیران عضو شرکت های تعاونی و ماهیگیران منفرد .

۱- کارگران شیلات : در سرتاسر شمال کشور در صیدگاههای مناطق مختلف پراکنده هستند . بخشی از این صیادان محلی و بخشی غیربومی و بخصوص آذربایجان هستند که در مدت کار دور از زن و فرزند در اطفاقی که شیلات در اختیار آنها می گذارد زندگی می کنند . ساعات کار آنها بستگی به شرایط جوی و دریا دارد . بیشتر اوقات ساعت ۴ صبح به دریا می زنند و بعد اگر دریا آرام باشد درحوالی ظهر و در غیر این صورت حدود ۳ الی ۴ بعد از ظهر بازمی گردند .

قایق های مورد استفاده آنها بادبانی است . چون صید در بعضی از فصل های سال ممنوع است ، شیلات فقط بمنت ۶ ماه از سال در دو فصل صید این کارگران را بکار می گیرد (فصل اول از اوایل بهمن ماه تا اواخر فروردین و فصل دوم از اواسط مرداد تا اواخر مهرماه) . شیلات هیچگونه تعهد حقوقی نسبت به کارگران خود ندارد بدین معنی که کارگران از بیمه درمانی ، بازنشستگی ، اضافه کاری ، از کار افتادگی ، مرخصی ، سرویس ، غذا ، سود ویژه و غیره برخوردار نیستند .

فصولی که صید رسماً ممنوع است ، صیادان محلی یا بکار صید قاچاق می پردازند و یا در تابستان به کارهایی چون نجات غریق و کار در ریلها و غیره اشتغال دارند . صیادان غیربومی عمدتاً کشاورز هستند و احتمالاً زمینی در روستای خود دارند که روی آن کار می کنند . بطور معمول در شروع هر فصل صید پیش از سه چهارم کارگران قبلی بکار باز می گردند .

اول هر فصل ، اداره شیلات از کارگران می خواهد که قرارداد ای امضاء کنند که بر طبق آن شرکت شیلات قایق ماهیگیری ، تور و سایر لوازم ماهیگیری را در اختیار صیادان قرار می دهد و صیادان موظفند آنچه را که صید می کنند در حضور مامورین دولتی در اختیار شرکت بگذارند . بطور تائونی هیچ صیادی حق ندارد چیزی از بابت صید برای خودش بردارد .

۲- کارگران عضو شرکت های تعاونی : این کارگران پس از تشکیل شرکت تعاونی به شیلات مراجعه می کنند و منطقه ای را برای صید از آنجا اجاره می کنند ، با این شرط که ماهی صید شده را به شرکت شیلات بفروشند البته در مواردی هم ممکنست چند سرمایه دار خصوصی شرکتی تشکیل دهند و با استفاده ماهیگیران به صید ماهی بپردازند . که در اینصورت با صیادان مثل کارگروزمز در فشار می شود . محل زندگی و خانه های این کارگران بسیار غیر بهداشتی است . معمولاً

یا در جلدرمی خوابند و یا در کوه های مشابه حلی آبادهای معروف ، سرپناههایی با ارتفاع یکمتر و مساحت چند متر مربع و تازه همین هاراهم ژاندارمهای پسر رضا خان تحمل نمی کردند و حتی اجازه ایجاد اولیه ترین احتیاجات انسانی را (مستراح و چاه آب) نمی دادند . این کارگران علاوه بر اینکه فصلی هستند و از هیچگونه امنیت شغلی برخوردار نیستند به شدت از طرف شیلات غارت می شدند ؛ بدین ترتیب که ماهی صید شده را (حتی تا ۳۰٪) به بهانه های مختلف بی ارزش می دانستند (مثلاً به این بهانه که کمتر از ۸۰۰ گرم هستند) و تازه باقی راهم به قیمتی بسیار ارزان از دست آنها بیرون می کشیدند (مثلاً ماهی سفید را کیلویی ۳۵ تومان می خریدند و در بازار کیلویی ۶۰ تومان می فروختند) صیادی تعریف می کرد که یکبار شصت و سه هزار ماهی گرفته شد که حداقل دانه ای یکصد و پنجاه تومان می آرزید . شیلات پس از فروش آنها به هر نفر چهار هزار تومان داد ، جمعاً ۳۲۰ هزار تومان . در حالیکه درآمد حاصل از فروش آنها برای شیلات ۹ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان شد .

۳- ماهیگیران منفرد : که اکثر در دست های چند نفری روی یک قایق کاری می کنند . آنها به صید قاچاق می پردازند و دوبه همین دلیل نرگز شصت مدام با مامورین ژاندارمری و اداره شکار بانسی

درگیری داشتند . به این ترتیب که اولاً کلیه ماهی های صید شده را ضبط می کردند ؛ ثانیاً آنها را جریمه های بسیار سنگینی می کردند . بسته به اینکه مسئولان ژاندارمری مناطق مختلف چطور آدمهای باشند گاهی برخورد های خشن تری پیش می آمد ، یا قاپقپاشان شکسته می شد یا کشته می شدند . بزرگترین ضعف مبارزاتی این زحمتکشان عدم شکل آنهاست که دوری ، مناطق از یکدیگر و ضعف ارتباط بین آنها و خصوصیت نیمه کارگری شان آن را تشدید کرده است . هزاران کارگر ماهیگیر که در دهها منطقه شمال پراکنده اند ، هنوز (تا اواخر فروردین ماه) فاقد تشکیلات صنفی و سیاسی هستند . تجمع صیادان بایلسر نرسوم اسفند ماه ۵۷ اولین گردهمایی صیادان بود که حتی صیادان مناطق مجاور نیز از آن بی اطلاع بودند . اما در عین حال خواسته های مشترک همه این زحمتکشان زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل صنفی در میان آنها فراهم آورده است . استخدام رسمی و تامین حداقل دستمزدی ثابت برای همه آنها عامل وحدت بخشی است که می تواند مورد توجه قرار گیرد و ابتدا ماهیگیران یک منطقه را در سازمان صنفی (سندیکا) متشکل نمایند و سپس با ایجاد ارتباطی نزدیکتر با دیگر مناطق زمینه ایجاد اتحادیه سرتاسری ماهیگیران شمال فراهم کند .

مثلاً از طریق ایجاد واحدهای پرورش ماهی ،

درباره اساسنامه شورای ستاد نیروی هوایی

اخیراً اساسنامه تشکیل شورای مرکزی ستاد نیروی هوایی در ۷ ماده و ۵ تبصره به دست ماریسیده است . ضمن ارائه فشرده ای از اهم مسائل آن سعی کرده ایم به بررسی و نقد آن بپردازیم .

ایجاد شوراهای واقعی درون ارتش می تواند در دمکراتیک کردن ارتش و در جلوگیری از تبعیض و ستمی که بر سربازان و درجه داران و افسران روا داشته می شود ، نقش ارزنده ای ایفا کند . مادرزیر به بررسی برخی از مواد این اساسنامه می پردازیم .

در ماده ۱ اساسنامه هدف تشکیل شورا دگرگون کردن نهادهای ارتش سابق و جانشینی نهادهای مردمی و محسول کلیه آثار استبداد و استعمار عنوان شده است . و وظیفه ارتشی را نه سرکوب مردم میهن بلکه دفاع از مرزهای کشور در برابر بیگانگان دانسته اند . نظامیان مترقی نیروی هوایی و کلیه پرسنل انقلابی ارتش بخوبی میدانند که بعد از کودتای ۲۸ مرداد همه نظامیان انقلابی ارتش اعدام شدند و بعد از تصفیه کامل ارتش از مبارزین بوسیله مزدوران وابسته به امپریالیزم و جاسوسان رنگارنگ " سیا " لازمه ترفیع درجه و مقام عمدتاً از سرهنگی به بالا وفاداری بی چون و چراه شاه خائن در جهت بر آوردن خواست او و اربابان امپریالیستش بود و این کار جز

درگیری داشتند . به این ترتیب که اولاً کلیه ماهی های صید شده را ضبط می کردند ؛ ثانیاً آنها را جریمه های بسیار سنگینی می کردند . بسته به اینکه مسئولان ژاندارمری مناطق مختلف چطور آدمهای باشند گاهی برخورد های خشن تری پیش می آمد ، یا قاپقپاشان شکسته می شد یا کشته می شدند . بزرگترین ضعف مبارزاتی این زحمتکشان عدم شکل آنهاست که دوری ، مناطق از یکدیگر و ضعف ارتباط بین آنها و خصوصیت نیمه کارگری شان آن را تشدید کرده است . هزاران کارگر ماهیگیر که در دهها منطقه شمال پراکنده اند ، هنوز (تا اواخر فروردین ماه) فاقد تشکیلات صنفی و سیاسی هستند . تجمع صیادان بایلسر نرسوم اسفند ماه ۵۷ اولین گردهمایی صیادان بود که حتی صیادان مناطق مجاور نیز از آن بی اطلاع بودند . اما در عین حال خواسته های مشترک همه این زحمتکشان زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل صنفی در میان آنها فراهم آورده است . استخدام رسمی و تامین حداقل دستمزدی ثابت برای همه آنها عامل وحدت بخشی است که می تواند مورد توجه قرار گیرد و ابتدا ماهیگیران یک منطقه را در سازمان صنفی (سندیکا) متشکل نمایند و سپس با ایجاد ارتباطی نزدیکتر با دیگر مناطق زمینه ایجاد اتحادیه سرتاسری ماهیگیران شمال فراهم کند .

در ماده ۲ اساسنامه شورای مرکزی ستاد نیروی هوایی از نحوه تشکیل شوراها در سطح کلیه پادگانهای نیروی هوایی در کلیه نقاط میهن صحبت شده است . به این ترتیب شوراها در سطح پایگاهها و فرماندهی های زیر نظر شورای مرکزی ستاد نیرو تشکیل می شود . تعداد اعضای شورا به نسبت تعداد پرسنل هر گروه تعیین می شود . تعداد اعضای شورای مرکزی ستاد نیرو ۲۴ نفر است که عبارتند از : ۶ افسر ، ۶ نفر هافر ، ۶ نفر درجه دار و ۶ نفر کارمند که قسمتی از شرایط عضویت در آن را داشتن حسن شهرت و نداشتن همکاری با ضد اطلاعات سابق و سازمانهای مشابه آن و داشتن آگاهی مذهبی و سیاسی دانسته اند . در مورد این ماده یعنی نحوه تشکیل شوراها لازم به توضیح است که اشاره نشده است در تشکیل و تشکل این شورا سربازان چه نقشی خواهند داشت و این نیز یکی از ضعفهای اساسنامه مذکور است . پرسنل مبارز در ارتش به خوبی به نقش ارزنده سربازان که دوش به دوش سایر اربابان ارتشی در مبارزات اخیر شرکت داشته اند واقف اند و این که بسود

چنانچه جبران شود میتواند در دمکراتیک کردن شورا مفید واقع شود و خود زمینه ای شود در بسیج هر چه بیشتر نیروهای مردمی در شوراهای ارتش .

ماده ۴ اساسنامه مربوط به مدت خدمت اعضای شورا است که یکسال در نظر گرفته شده و ضمناً انتخاب مجدد یک یا چند عضو را فقط برای دونوبت متوالی جایز دانسته اند .

ماده ۵ وظایف شوراهاست . در ابتدا یکی از وظایف شورا در این ماده ، بررسی مشکلات و مسائل طبقاتی و پیدا کردن راه کارهای مناسب برای آن یعنی بررسی و تحلیل شکایات و اوپیشنهادها و ارائه راه حل های مناسب عنوان شده است . این قسمت از ماده ۵ اساسنامه با وجود آنکه جنبه های مثبتی در آن هست ، به هیچ نحو موضوع را بطور صریح و روشن بیان نمی کند و فقط به ذکر جمله (ارائه راه کارهای مناسب) اکتفا می کند . در حالی که توجه اساسی به مسئله زحمتکشان در ارتش که در برین درجه داران و سربازان و افزایند ان ارتش فراوان وجود دارد و حل مشکلات زندگی آنان در چهارچوب وابستگی شان به ارتش می تواند پشتیبانی این نیروها را جلب کند و زمینه را برای فعال تـر و دمکراتیک تر کردن شورا فراهم کند .

در قسمت دیگری از ماده ۵ اساسنامه مشورت با فرماندهان در موضوعات غیر عملیاتی و نظارت در اجرای دقیق کارهای نهائی تصویب شده در شورا متذکر شده اند و بعد اعلام کرده اند که فرماندهان موظفند در امور غیر عملیاتی با شورای یکان مربوطه مشورت کنند و ضمناً آن (فرماندهان) در امور جاری عملیاتی در چهارچوب مقررات و دستور العمل های مصوبه نیروی هوایی دارای اختیارات ویژه پست خویش هستند و شوراها در این مورد دخالت ندارند و لوی بطور غیر مستقیم نظارت خواهند داشت .

بنظر می رسد قسمت اخیر این ماده بطور مشخص دست فرماندهان را در اجرای برنامه های نظامی بدون مشورت شورا بازمی گذارد . در اینجا صریحاً از عدم دخالت شورا در طرح و اجرای امور جاری عملیاتی صحبت می شود که به این ترتیب و دقیقاً در این قسمت شورا نقش تشریفاتی و غیر فعال بخودی میگرد که این امر کاملاً متناقض با اهداف و نظرات اولیه شورا است .

ماده ۶ این اساسنامه اختصاصاً به هماهنگی و ارتباط دارد و در قسمتی از آن گفته شده که شوراها چه در سطح یکانها و چه در سطح ستاد نیرو قدرت اجرائی ندارند و امور اجرائی کماکان از طریق ستاد یکانها انجام می شود . با کمی دقت به این قسمت از ماده ۶ که در واقع بی اعتبار کردن شورا و سلب قدرت تصمیم گیری و قدرت اجرائی شورا است بخوبی خواهیم دید که اینها هم به هیچ نحو با هدف اساسی شورا که برخورد دمکراتیک با کلیه مسئولیتهاست کاملاً منافات دارد .

دولت حامی اربابان است...

بقیه از صفحه اول

در ارومیه خان های غارتگر با استفاده از صبر انقلابی دهقانان و فرصت لازم برای اقدام انقلابی ادولت ، دست به غصب زمینهای روستائیان و غارت و چپاول اموال آنها زدند و با توسل به زور شکنجه و اسلحه روستائیان را وادار کردند محل زندگی خود را ترک کنند و آواره شهرها و دهات دیگر شوند . هر خانی در منطقه تحت نفوذش قادر مطلق شده و تحت عناوین مختلف از طریق جریمه و خواستن بهره پانزده ساله و غیره روستائیان را تحت شدیدترین فشارها قرار داده است .

عده زیادی از روستائیان آواره اکنون در شهرک " زیو " در اردوگاه آوارگان مسکن گزیده اند و وضع اسفباری دارند و از لحاظ غذا ، لباس ، دارو ، مسکن و آب آشامیدنی در محرومیت شدیدی بسر می برند .

شهرداری ارومیه به این وحشیگری ها اعتراض کرده اند و خواستهای عاجل خود را در پنج ماده در مقابل دولت گذاشته اند :

- ۱- برگرداندن دهقانان به روستای خود .
- ۲- برگرداندن زمینها به دهقانان .
- ۳- کوتاه کردن دست اربابان از جان و مال و زندگی دهقانان .
- ۴- اخراج فئودالهای غارتگر از کمیته انقلاب ارومیه .
- ۵- مسلح کردن دهقانان در برابر فئودالهای متجاوز .

در مقابل خواستهای برحق روستائیان دولت همچنان سکوت کرده است و به صبر انقلابی خود ادامه می دهد .

کشاورزان روستای قاسملو نیز در قطعنامه خود تاکید می کنند .

" اکنون که ارتجاع سعی دارد انقلاب خونین خلقهای ایران را به انحراف و شکست بکشد و ضد انقلاب در روستاهای کشورمان بصورت اربابانی که زمینهای روستائیان را گرفته ، به جان و مال آنها تجاوز کرده و آنها را آواره کوهها و شهرهای کند ، ضرورت ایجاد شوراهای دهقانی بیشتر از پیش احساس می شود " .

این نتیجه ای است که بسیاری از روستائیان مابه آن رسیده اند و در جهت اجرای آن عمل می کنند .

در ترکمن صحرا دهقانان تشکیل شورای روستائی می دهند و زمینهای غصب شده توسط زمینخواران و سرمایه داران را بازمی ستانند . زمینداران و عوامل شناخته شده آنها دست به تحصن می زنند و به این امر اعتراض می کنند و در

اینجا دولت ناگهان صبرش را بر سر می آید و بسرعت هیئتی برای رسیدگی به وضع آنها به گنبد می فرستد تا آنها را مذاکره کند . این امر بدون کوچکترین مشاوره ای با دهقانان صورت می گیرد . از طرف دیگر اعلامیه پشت اعلامیه صادر می کند که دولت به مالکیت زمین احترام می گذارد و زمینداران بدون نگرانی می توانند از زمینهای خود استفاده کنند (یعنی به استعماردهقانان ادامه دهند) و وزیر کشاورزی در تلویزیون ظاهر می شود تا بگوید زمینداران غارتگر مثل پدردهقانان هستند و روستائیان باید مثل پدرها آنها احترام بگذارند . به این ترتیب دست ارتجاع بازمی ماند تا با استفاده از فرصت به توطئه و تجاوز به حقوق دهقانان ادامه دهد .

می بینیم آنجا که خواستهای برحق دهقانان و زحمتکشان مطرح است دولت صبر انقلابی ! می خواهد و آنجا که ضد انقلاب به حقوق زحمتکشان تجاوز می کند دولت خود دست به صبر انقلابی ! می زند و لبی وقتی دهقانان دست به اقدامات انقلابی می زنند و بای منافع زمینداران و سرمایه داران پیش می آید ، دولت صبرش تمام می شود و هر چه سریعتر به درد زمینداران می رسد و حمایت خود را از آنها اعلام می کند .

حال مای پرسیم این دولت حامی دهقانان و خواهان ادامه انقلاب است یا حامی زمینداران و سرمایه داران و خواهان توقف انقلاب ؟ البته بسته به اینکه چه کسی به این سؤال جواب دهد ، دهقان یا زمیندار ، پاسخها کاملا متفاوت خواهد بود . از نظر دهقانان ، دولت حامی اربابان است .

تشکیل شورای دهقانی در بندرترکمن

دهقانان مبارز بندرترکمن تصمیم گرفتند دیگر اجازه ندهند جنایتکاران و غارتگران بیش از این از آنها بهره کشی کنند . آنها در اجتماعی که روز اول اردیبهشت برگزار کردند ، از میان خود پنج نفر را بعنوان اعضای شورای انقلابی دهقانان بنسبت ترکمن انتخاب کردند تا با همکاری شورای شهروکانون فرهنگی - سیاسی بندرترکمن حقوق پایمال شده و خواستهای برحقشان را بدست آورند . مهمترین این خواستها چنین است :

- ۱- تصرف ۲۱۶۰ هکتار زمین کسه در جریان اصلاحات ارضی فرمایشی توسط منوچهر طائی ، هژبر یزدانی و تیمسار

خواستهای اهالی روستائیان لیماکش

اکنون که انقلاب به پیروزی رسیده است و می رود تا امپریالیسم جهانخوار و دست استعمارگران را از روستائیان و کارگران و کشاورزان کوتاه کند ، ما اهالی روستای لیماکش از توابع رامسر خواستهای خود را به شرح زیر اعلام می داریم و خواهان اجرای آن هستیم :

- ۱- محول کردن انجام امور روستا- ثیان به کمیته یا شورای روستائی .
- ۲- لغو کلیه بدهی ها و وامهای روستائیان به بانک کشاورزی و روستائی .
- ۳- پرداخت وام بدون بهره به کشاورزان به اقساط طویل المدت .
- ۴- حمایت از جایگاران و پرتغال - کاران و جلوگیری از نابودی محصول چای و پرتغال و افزایش بهای برگ سبز چای .
- ۵- ایجاد حمام و بهداشت و تامین بهداشت در روستاها بصورت رایگان .

ع- آزاد کردن تفنگهای سبک برای دامداران به جهت مقابله با حمله گرگ و خرس به دام .

۷- واکسیناسیون رایگان برای گوسفندان و گاوهای روستائیان .

۸- لوله کشی جهت آب آشامیدنی و تامین برق سراسر روستاها .

۹- ایجاد راه جهت تسهیل ایاب وذهاب و حمل محصولات کشاورزی به شهر .

۱۰- ایجاد شرکتهای تعاونی در روستاها .

۱۱- آزاد کردن چوب جنگل برای روستائیان جهت ساختمان مسکونی و تولید برای گاو و گوسفند .

۱۲- واگذار کردن زمینهای مرغوب جهت زراعت و کشاورزی از قبیل پرتغال و چای و میوه جات .

نامه سرگشاده روستائیان بابل دهقانان چه میخواهند؟

برای اینکه مطمئن باشیم در جامعه انقلاب شده ... مهمترین خواستهای روستائیان پشتر گوراب زمینخ به قرار زیر است :

- ۱- لغو کلیه بدهی های کشاورزان به بانک تعاونی و بانک کشاورزی و باقیمانده قروض به مالکین .
- ۲- پرداخت وام بدون بهره و طویل المدت به دهقانان .
- ۳- در اختیار گذاشتن کود و سم رایگان به کشاورزان .
- ۴- ایجاد امکانات رفاهی از قبیل تامین آب لوله کشی و برق و تعمیر حمام روستا و احداث جاده وسد برای جلوگیری از طغیان آب رودخانه .
- ۵- تامین بهداشت و درمان و آموزش رایگان .

خواستهای روستائیان منطقه شبستر

اهالی روستاهای منطقه شبستر با عنوان کردن مهمترین مساله خود یعنی تشکیل شوراهای انقلابی روستائی و تعیین وظایف آن ، طی اعلامیه ای به طرح خواستهای خود به شرح زیر می پردازند :

- ۱- لوله کشی آب آشامیدنی .
- ۲- ایجاد سد برای جلوگیری از

حسین آباد کرمان

کرمان - دهقانان قریه حسین آباد از توابع کرمان طی اعلامیه ای مسائل و خواستهای خود را مطرح کردند .

مشکل عمده این روستای آبسی است . در حدود ۱۰ سال پیش سازمان آب قنات این قریه را به شهرستان کرمان لوله کشی کرد و کشاورزان دیگر نتوانستند به کار کشاورزی بپردازند و آواره شهرها شدند اکنون که مبارزه انقلابی خلقهای ستمدیده کشور امکان زراعت مجدد را برایشان فراهم کرده آنها خواستهای خود را به شرح زیر اعلام داشته اند :

- ۱- نصب تلمبه چاه عمیق .
- ۲- زمینهای غصب شده توسط خان ها در اختیار کشاورزان قرار گیرد .
- ۳- پرداخت وامهای طویل المدت به کشاورزان .
- ۴- دریافت قیمت زمینهای غصب شده مزرعه سیمرغ و گذاشتن آن در اختیار شورای زارعین .
- ۵- انحلال شورای محل و رسیدگی به امور توسط شورای زارعین .

کشاورزان و جوانان و کارگران قریه شل سرکوه و روستاهای اطراف واقع در بخش بندپی بابل طی نامه ای به دولت موقت که تعداد زیادی از اهالی آنرا امضا کردند بشرح خواستها و حقوق غصب شده شان می پردازند :

" حق ما از طرف دارودسته سنگسری هژبر یزدانی و درراس آنها محمد آقا صمدیان غصب و مخدوش گردیده . نامبر دگان که از اهالی سنگسری می باشند همه ساله مزارع و مراتع مارا مورد هجوم دامهای خود که چراگاه اصلی آنها صدها کیلومتر با محل ما فاصله دارد قرار می دهند . اغلب مزارع آباد شده به وسیله دستهای پینه بسته مابزور و حیله و فریب آنها که از سوی عمال رژیم طاغوتی گذشته حمایت و معاضدت شدند غصب شده است و در نتیجه زحمتکشان شریف محل ما آواره زاغه های اطراف تهران شده اند . از سوی دیگر رژیم طاغوتی بعلت ماهیت ضد مردمی و غارتگرانه خود هیچگونه اقدامی در جهت آبادی و بهداشت و آسایش مردم محل ما نکرده است . بطوریکه قریه ما و دهات اطراف آن با جمعیتی نزدیک به ده هزار نفر فاقد

هرگونه وسایل بهداشت ، برق ، آب ، مدرسه راهنمایی می باشد و تنهاراه ماشین رو آن عملا فقط مدت چهار ماه از سال (تابستان) قابل استفاده است که آنها جهت استفاده مکتشفین معادن احداث شده و در حقیقت یک جاده نیمه طبیعی و خطرناک است که تاکنون در عرض دوسال بیشتر از چهار قربانی و دهها زخمی داده است ... "

این عده در آخر خواسته های برحق خود را اعلام کردند که مهمترین آنها از این قرار است :

- ۱- ترتیبی اتخاذ شود تا دستهای غاصبین و چپاولگران مهاجر سنگسری که هم اکنون نیز در صدد ادامه زورگوئی و تجاوز هستند از سر مراتع و مزارع ما کوتاه شود .
- ۲- دادن وام بدون بهره و بلند مدت به جوانان و کشاورزان برای توسعه و بهبود دامداری و کشاورزی .
- ۳- خواستهای رفاهی از جمله تامین برق و آب لوله کشی ، احداث یا بهبود جاده ، تاسیس درمانگاه ، مدرسه راهنمایی و موسسه دام پزشکی و ایجاد شرکت تعاونی روستائی ...

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

درباره حزب طبقه کارگر

(۲)

می رسیدند ، ارتباطشان با سایر نقاط و بقیه برده ها قطع می شد و توسط نیروهای نظامی برده داران سرکوب و تارو- مار می شدند .

مبارزات دهقانان (رعیت ها) و جنگهای دهقانی گرچه نسبت به شورش های برده ها در مرحله بالاتری قرار داشت ولی باز هم دهقانان نتوانستند تشکیلات سیاسی خود را به وجود بیاورند . اقدامات انقلابی و همزمان توده های دهقانی ، منحربه ایجاد سازمانهای شورشی مختلف شده که محدود به مناطق طفیان بود و تشکیلات سیاسی- بیار نیارود . این سازمانهای شورشی فقط جنبه نظامی داشت و به یک منطقه خاص و زمان خاص محدود می شد .

پراکندگی سازمان ها در سرزمین- های وسیع ، عدم ارتباط بین آنها فقدان تئوری انقلابی بعلمت سهل-سگ پائین تکامل تکنیک و علم و فرهنگ جامعه این امکان را به دهقانان (و بطریق اولی به برده ها) ، نمیداد که اولاً - هدفهای خود را بطور روشن تشخیص دهند و ثانیاً متشکل شوند و تشکیلات سیاسی بوجود آورند و ثالثاً تمام افرادی که طبقه در سرتاسر یک مملکت متحد شوند . آنان در لحظه های بحرانی که زندگی شان دیگر غیر قابل تحمل می شد ، دست به شورش می زدند که معمولاً این شورش ها در یک منطقه محدود می ماند و به سایر نقاط سرایت نمی کرد و از رهبری آگاهانه و تشکیلات محکم بی بهره بود . در نتیجه تنها و منفرد می ماند و سرکوب می شد .

رشد سرمایه داری و به وجود آمدن طبقه کارگر ، تغییرات اساسی به همراه داشت . از یک طرف با پیشرفت علم و تکنیک و فرهنگ ، زمینه تدوین تئوری انقلابی مهیا شد . از طرف دیگر با ایجاد کارخانه ها تعداد زیادی از کارگران در زیر یک سقف جمع شدند ، باگسترش راهها و توسعه تجارت و مبادله ، مناطق مختلف به هم متصل شدند و ارتباط سراسری کارگران ممکن شد . بدین ترتیب کارگران به برکت تجمع خود در کارخانه ها و ارتباط سرتاسری شان توانستند متشکل شوند و با نفوذ تئوری انقلابی در میان کارگران ، جنبش آگاهانه کارگری بوجود آمد . کارگران توانستند خواستهها و هدفهای خود را تشخیص دهند و تشکیلات سیاسی مستقل و خاص خود را ایجاد کنند . در یک کلام صف مستقل و متشکل خود را تشکیل دهند . لنین رهبر کبیر - آموگار کارگران جهان درباره تکامل تاریخی تشکیلات سیاسی طبقات استثمار شونده می گوید " تنها در نظام سرمایه داری بود که در سایه فرهنگ شهری ، طبقه پرولتاریا محروم توانست خود آگاهی پیدا کند و جنبش جهانی طبقه کارگر را به وجود آورد . میلیونها

باپوزش از کلیه خوانندگان ، بخاطر اشتباه چاپی ای که در مقاله " درباره حزب طبقه کارگر بخش دوم " شماره قبل به وجود آمده و مقاله را کاملاً نامفهوم ساخته بود ، برای استفاده ی بهتر خوانندگان یک بار دیگر به چاپ کامل آن در این شماره مبادرت می نمائیم .

در شماره قبل چگونگی استثمار کارگران را توسط سرمایه داران و ناگزیر بودن مبارزه بین این دو طبقه استثمار شونده و استثمار گر را توضیح دادیم و نشان دادیم که طبقه کارگر نمی تواند تغییر اساسی در زندگی خود به وجود بیاورد و نمی تواند خود را از شر تمام بدبختی ها نجات دهد ، مگر آنکه سرمنشأ تمام بدبختی ها یعنی مناسبات سرمایه داری را تغییر دهد - مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را لغو کند و مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید یعنی مالکیت تمام زحمتکشان بر وسائل تولید را جایگزین مالکیت خصوصی بر وسائل تولید کند . و بازم نشان دادیم که برای انجام چنین امر مهمی کارگران مجبورند ، تشکیلات سیاسی مستقل خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود بیاورند . در این شماره می خواهیم درباره خصو- صیات حزب طبقه کارگر بیشتر صحبت کنیم و توضیح بدهیم که چرا بوجود آمدن تشکیلات مستقل سیاسی پرولتاریا (حزب طبقه کارگر) ، نقطه عطفی بنیادی در تاریخ جهان است .

از زمانیکه طبقات (یعنی استثمار گر و استثمار شونده) بوجود آمد ، مبارزه بین استثمار شندگان و استثمار کنندگان هم آغاز شد . در طول تاریخ همواره استثمار شندگان علیه استثمار کنندگان مبارزه کرده اند . ولی این مبارزات تا قبل از پیدایش طبقه کارگر نتوانستند متممکنان را از بند استثمار برهاند .

مادر تاریخ بیاد داریم که چگونه برده ها شورش کردند و باعث بروز جنگهای داخلی شدند . ولی آنها نتوانستند تشکیلات سیاسی به وجود آورند که مبارزه آنها را رهبری کند و قادر نبودند که هدفهای خود را به روشنی تشخیص دهند و بنابراین حتی در انقلاب- بی ترین لحظات هم ، همیشه آلت دست طبقات استثمار گر بودند . بزرگترین قیام برده ها که در کشور روم و به رهبری شخصی به نام اسپارتاکوس به وقوع پیوست ، فقط توانست یک سازمان نظامی ایجاد کند که این سازمان نظامی هم بعد از آنکه سرکوب شد ، از هم پاشید و برده ها اگر هم در نقاطی به پیروزی

یک محصول تازه مانیکه برای برطرف کردن نیازهای شخصی تولید می شود " کالا " خوانده نمی شود . اگر یک دهقان گندم بکارد محصولش را درو کند ، غله را آرد کند و برای خودش نان ببزد ، این نان کالا نیست . اگر یک خانواده روستائی ، پارچه ببافد و آن را برای خود لباس بدوزد ، این لباس هنوز کالا نیست ، ولی اگر آن نان و پارچه لباس فروخته شود و به قصد فروش تهیه شود و به بازار فروش آورده شود " کالا " نام خواهد داشت .

پس کالا عبارتست از محصولی که پیش از همه چیز یک نیاز انسان را برطرف کند و برای فروش در بازار تولید شود هر کسی آنرا بخرد به او تعلق خواهد داشت . در تولید سرما به داری تمام محصولات برای بازار تهیه می شوند و در بازار به فروش می رسند . در واقع محصولی که برای فروش و مبادله ساخته شده باشد " کالا " نامیده می شود .

در جوامع سرمایه داری در هر کارگاه یا کارخانه معمولاً فقط یک محصول معین تولید می شود و به سادگی معلوم است که این محصول برای احتیاج خصوصی تولید نمی شود ، مثلاً یک کارخانه کفش سازی را در نظر بگیریم . تمام کفش های تولید شده این کارخانه برای استفاده شخصی صاحب آن نیست ، بلکه برای عرضه به بازار فروش است . در جامعه سرمایه داری تقریباً هر آنچه که تولید می شود برای فروش در بازار است . روی این اصل این نوع تولید را " تولید کالائی " می گویند .

برای پیدایش تولید کالائی شرایطی لازم است . اگر قرار باشد که همه مردم خود بتولید مایحتاج خود بپردازند و تمام احتیاجاتشان را خودشان تامین کنند ، دیگر احتیاج به چیزی نخواهند داشت که از بازار خریداری شود و در نتیجه مبادله و خرید و فروش لزوم پیدانمی کند . از اینجا به این مطلب می رسیم که مهمترین شرطی که برای پیدایش دوام تولید کالائی لازم است " تقسیم اجتماعی کار " است . منظور از تقسیم اجتماعی کار اینست که افراد گروههای مختلف جامعه جداگانه هر یک به ساختن یک یا چند فرآورده خاص (متفاوت با دیگران) بپردازند . مثلاً گروهی به ساختن کفش ، گروه دیگر به ساختن کلاه و گروه سوم به بافتن پارچه و غیره بپردازند . موقعیکه به این ترتیب تقسیم کار انجام گرفت ، هر گروهی برای رفع نیاز مندیهای

باپوزش از همه خوانندگان ، در مقاله " برسمیت شناختن حقوق خلقهای ایران " از جمله بجای کلمه " قومی " ، " بومی " و به جای " فقدان " ، " بعنوان " و بجای " گوش " ، " پوشش " چاپ شده است . ضمناً در همین مقاله آنجائی که به ستم مذهبی خلقهای ایران اشاره شده به اشتباه خلق عرب مشمول این ستم قلمداد شده است . توضیح اینکه مذهب اکثریت خلق عرب ایران شیعه است و اقلیت کوچکی سنی هستند . * * *

در صفحه ۸ سطر ۸ مطلب " به آتش کشیدن کتبه های علمی " آمده بود " اسلام علمی و اسلام صفوی " که در حقیقت شیعه علمی و شیعه صفوی درست است .

نفر کارگر در احزاب سیاسی متشکل شدند یعنی در احزاب سوسیالیستی کسه هشیارانه ، مبارزه توده ها را رهبری می کنند . " گرچه بورژوازی فقط برای کسب سود بیشتر و استثمار بیشتر کارگران بود که به ترقی علم و تکنیک و ایجاد کارخانه ها و گسترش راهها و غیره اهمیت می داد ، ولی همین امر موجب گسترش طبقه کارگر و رشد زمینه های سرنگونی بورژوازی شد . عبارت دیگر بورژوازی گوهری خود را به دست خود به وجود آورد .

پیروزی های عظیمی که مردم زحمتکش در عصر حاضر به دست آوردند و در دوره ایست که طبقه کارگر نیرو های خود را تقویت کرده ، از وجود خود بعنوان یک طبقه آگاهی پیدا کرده و تشکیلات سیاسی خود را ایجاد کرده است . تشکیلات سیاسی ایکه توانائی و کفایت آنرا دارد که در مبارزات توده های رهبری آگاهانه ای بعهده بگیرد . تنها به وجود آمدن تشکیلات سیاسی طبقه کارگر و ادامه مبارزه آن زیر پرچم ایدئولوژی (این طبقه) بود که طبقه کارگر بصورت یک نیروی مستقل سیاسی در آمد که قادر بود از طریق مبارزاتش در پیشاپیش توده های زحمتکش روابط اجتماعی را بطور اساسی دگرگون کند و استثمار انسان از انسان را نابود کند . با تدوین تئوری انقلابی و تشکیل حزب طبقه کارگر مبارزات راهائی بخش توده های زحمتکش دستخوش تغییر بنیادی شد . پرولتاریا گروههای مختلف توده های زحمتکش و روشنفکران پیشرو را بطرف خود کشید . طبقه کارگر و دهقان در جریان مبارزه متحد شدند . شرایطی ایجاد شده که مبارزه همه ستم دیدگان به رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن ، می توانست پیش برود و موفق به محو و نابودی استثمار و ستم شود . شرایط تاریخی ای آغاز شده که جنبش ستم دیدگان به رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن می توانست دیگر دنباله روطبقات استثمار گر نباشد . مارکس در این باره می گوید : " جنبش هائی که تاکنون وجود داشته با جنبش قلبیتها بوده یا بسوداقلیت ها انجام گرفته است . جنبش " آگاه " پرولتاریا ، جنبش مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت انجام می پذیرد " خصوصیات حزب طبقه کارگر همان خصوصیات انقلابی طبقه کارگر است هدف نهائی این حزب ، نابودی استثمار انسان از انسان است . چراکه طبقه کارگر نمی تواند خود را از بند استثمار برهاند مگر اینکه استثمار را بطور کلی محو و نابود سازد . در آینده درباره خصو- صیات حزب ، طبقه کارگر بیشتر سخن خواهیم گفت .



کالاجیست؟

خود مجبور است تولیدات خویش را به بازار عرضه کند و احتیاجاتش را از بازار تهیه کند . به این ترتیب مبادله و خرید و فروش کالاها شکل می گیرد . هر تولید کننده ای برای فرد یا افراد بخصوصی تولید نمی کند بلکه برای بازار ، برای کسی که اصلاً اورانمی شناسد کالا تولید می کند . برای اینکه اقتصاد طبیعی یعنی اقتصادی که در آن محصول برای فروش تولید نمی شود ، به اقتصاد کالائی که در آن محصول برای فروش تولید می شود (کالا) تحول پیدا کند ، علاوه بر تقسیم اجتماعی کار ، مالکیت خصوصی ابزار تولید نیز می بایست وجود داشته باشد . به عبارت دیگر تقسیم اجتماعی کار ، تنها یکی از شرایط برای تولید کالائی است .

شرط دیگر که بسیار مهم نیز هست وجود مالکین گوناگون برای وسائل تولید (وسایل کار ، ماشین ، ساختمان ، زمین و غیره) در جامعه است . مثلاً زمانیکه صنعتگر مالک شخصی ابزار کار خود می شود شروع به فروش محصول کار خود می کند . همچنین شخصی را در نظر بگیرید که چیزی ساخته است و میخواهد آن را به دیگری بفروشد . در صورتی او مالک این محصول است که با وسایل تولیدی که متعلق به خودش بوده آن را تولید کرده باشد .

صاحب یک کارخانه بزرگ که مثلاً هزار بخاری در هفته تولید می کند ، چون مالک وسائل تولید است محصول به او تعلق می گیرد و لذا می تواند آن را به بازار عرضه کند و به فروش برساند .

به این ترتیب اساس تولید کالائی ، تقسیم اجتماعی کار و وجود مالکین متعدد و مختلف وسایل تولید در جامعه است . در گذشته که موسسات سرمایه داری بزرگ وجود نداشت ، تولید کالا بوسیله تولید کنندگان کوچک صورت می گرفت . آنها کارگر خود بودند و کارگری در استخدام نداشتند ، همچنین خودشان مالک وسایل ساده و ارزان قیمت کار بودند . این اقتصاد تولید کنندگان کوچک کالا که محصول کار خود را مبادله می کردند بعنوان تولید ساده کالائی نامیده می شود .

تولید کالائی ساده در یک خصیصه مهم با تولید کالائی سرمایه داری مشترک است و آنهم اینکه هر دو بر مالکیت خصوصی ابزار تولید مبتنی است . اما تفاوت بسیار مهم این دو این است که سرمایه داری بر اساس کار کارگران مزدبگیری قرار دارد که مالک هیچ ابزار تولیدی نیستند و بعنوان حقوق بگیر برای سرمایه دار کار می کنند و تحت استثمار او قرار می گیرند .

از طریق ورشکسته کردن و از بین بردن تولید کنندگان کوچک کالا و تبدیل بسیاری از آنها بکارگران مزدبگیر است که سرمایه داری تکامل می یابد . تولید کالائی ساده بطور اجتناب ناپذیر سبب ظهور تولید کالائی سرمایه داری می شود یعنی تولیدی که برای فروش در بازار انجام می شود ، مالکیت ابزار و وسایل تولید در اختیار شخصی سرمایه دار است و کارگران بصورت مزدبگیر برای او کار می کنند .

هر نوع سانسور محکوم است

کرمان - دانشجویان پیشگام دانشگاه کرمان، از روز دوشنبه سوم فروردین به مدت دو روز در محوطه دانشگاه دست به تحصن زدند و نقطه نظرهای خود را بر شرح زیر مطرح کردند:

۱- لغو هرگونه سانسور، تفتیش عقاید، ترور افکار دردانشگاه، ایجاد سانسور از جانب هر شخصیت و عنصری چه از داخل و چه از خارج دانشگاه محکوم است.

۲- ما خواستار ایجاد شورای دانشگاه هستیم. این شورا ترکیبی است از نمایندگان کارگران، استادان و دانشجویان -

۳- دانشگاه با پول مردم ساخته شده است و با خون خلق قهرمان ایران گشوده شد. درب دانشگاه باید به روی تمام اقشار جامعه باز باشد. ایجاد هر نوع فاصله بین مردم و دانشگاه محکوم است.

۴- ما دانشجویان پیشگام اعلام می داریم در محیط دانشگاه هر کسی تا حد توانائی خویش حق فعالیت فردی یا گروهی دارد. ممانعت از این فعالیتها لغو حقوق دمکراتیک و آزادی های فردی و جمعی است.

خواستهای بیکاران

شهرکرد - حدود ۲۰ نفر از فارغ التحصیلان سیکل، دیپلمه و فوق دیپلم از روز اول اردیبهشت در استانداری شهر کرد دست به تحصن زدند. روز دوم تحصن نمایندگان متحصنین با چند تن از مقامات

استان و شهر به مذاکره پرداختند ولی از گفتگوها نتیجه مطلوبی حاصل نشد و آنان به تحصن خود ادامه دادند. متحصنین خواهان کار دائمی برای همه بیکاران بودند.

ساری - هفته گذشته حدود ۴۰ نفر از دیپلمه های بیکار شهرستان ساری ضمن تحصن در مقابل استانداری از نمایندگان قطعنامه ای صادر کردند و طی آن خواستار اشتغال بکار یا کمک مالی تا زمان شروع به

کار در حد توان دولت شدند. در قطعنامه همچنین آمده است در درجه اول کسانی که کار گمارده شوند که زمان بیشتری در بیکاری به سر برده اند و شرط امتحان ورودی باید از شرایط استخدام حذف شود.

راهپیمائی دانش آموزان در سنندج

روز سه شنبه ۵۸/۲/۴ در حالیکه چهار روز از آغاز درگیریهای خونین شهرستان سنندج می گذشت، دانش آموزان شهرستان سنندج به عنوان محکوم کردن عوامل ارتجاع که برای حفظ منافع خود و خدمت به امپریالیسم آتش جنگ را در نطقه برافروختند، به راهپیمائی عظیمی دست زدند. این راهپیمائی که نزدیک هفت هزار دانش آموز در آن شرکت داشتند، از طرف شوروی دانش آموزان و دانش آموزان پیشگام سنندج ترتیب داده شده بود. در پایان راهپیمائی قطعنامه ای خوانده شد که در آن دانش آموزان حمله مسلحانه به اجتماع مردم در شهرستان نطقه را شدیداً محکوم کرده و خواستار مجازات مسبین اصلی این کشتار خونین شده بودند.

آیا کشتن حامیان زحمتکش بنفع اسلام است؟

ارومیه - دوتن از سپاهیان دانش در خیابان رضائی (شاهپور سابق) مشغول پخش اعلامیه هائی به طرفداری از دهقانان رانده شده منطقه صومای برادوست، مرگور و ترگور بودند یکی از پاسداران کمیته امام با مشاهده اعلامیه ها به آنها ایست می دهد و شروع به تیراندازی هوائی می کند. بعد به کمک چند نفر دیگر آنها را دستگیر می کنند و در همانجا شدت کتک می زنند و سپس به کمیته امام می برند. وقتی این دوتن به تیراندازی ماموران اعتراض می کنند، مامور کمیته می گوید:

"هر چه از شما کشته شود به نفع اسلام است"

میراث شوم خفقان در مدارس

گساران - هفته گذشته به دستور کمیته امام، یکی از دبیران دبیرستانهای گسار - ساران اخراج شد. بدسبب اخراج این معلم و بعنوان اعتراض به این عمل روز دوشنبه سوم اردیبهشت ۱۳ تن از دبیران در اداره آموزش و پرورش متحصن شدند. در دومین روز تحصن باز منبه چینی های قبلی گروهی به محل تحصن هجوم بردند و تحت عنوان پاک سازی آموزش و پرورش از افراد هوادار سازمانهای چپ، متحصنین را مورد توهین قرار دادند و اداره آموزش و پرورش خواستار اخراج آنان ظسرف یک هفته شدند. دبیران متحصن، در مقابل این حرکات ضد انسانی و دیکتاتورانه به بطور دسته جمعی استعفا دادند. در پی این وقایع در روز چهارم اردیبهشت ۲۶ نفر از آموزگاران و دبیران بعنوان پشتیبانی از همکاران خود استعفا کردند. همچنین عده ای از دانش آموزان مدارس در حمایت از معلمان خود و اعتراض به اعمال ضد آزادی دست به تحصن زدند.

در بیمارستان باهر

تهران - کارگران، پرستاران و تکنسین های بیمارستان باهر تهران (خیابان شیخ هادی) نسبت به وضع حقوق خود و بی توجهی رئیس بیمارستان معترض هستند. آنها از هفت ماه پیش اضافه کاری دریافت نکرده اند و در برابر خواست آنها مسئولان بیمارستان تهدید به تعطیل می کنند.

زحمتکشان بیمارستان باهر از نماینده خود که در رژیم سابق نیز نماینده آنها بوده رضایت ندارند و قرار است نمایندگان جدیدی انتخاب کنند.

اعتراض کشاورزان قیام آباد آمل

خواهیم کرد و تا آخرین نفس اجازه نخواهیم داد که مثل گذشته سرکوبمان کنند. شما همشهریان قضاوت کنید، مگر ماحق حیات نداریم؟ چرا این مالکین حق حیات را از ما گرفته اند؟ چرا خزانه های برنج ما را نابود کردند؟ چرا کمیته و شورای انقلاب و فرماندار حاضر به کمک ما نیستند؟ ما شما همشهریان را به این قضاوت و وجدان دعوت می کنیم.

در ضمن صورت جلسه ای از طرف مامورین پاسگاه و پاسداران انقلاب با حضور کشاورزان بشرح زیر تنظیم شد. "مفاد صورت جلسه

در روز ۵۸/۱/۲۹ به من محمدرضا سیدی کفاش مامور اجرائیات پاسگاه مرکزی ماموریت داده می شود که از زمین دهقانان شاک، اسمعیل خاکپور و عین - اله رحیمی بازدید نماید، من به همراه دوتن از پاسداران کمیته به روستای قیام آباد (شاه محله سابق) رفته و مشاهده نمودیم که خزانه شالیهای مربوط به مساحت یک هزار متر مربع که یک خروار تخم شالی در آن سبز گردیده بود توسط دار و دسته مالکین لکد کسب و نوابود گردیده اند و به هیچ وجه قابل استفاده نمی باشند. لازم به توضیح است که خزانه فوق برای نشاء سه هکتار زمین در نظر گرفته شده بود.

محمد رضا سیدی کفاشی مامور پاسگاه مرکزی
سیف اله کاردان وقاسم خاتمی
پاسداران انقلاب
شاهدین: اهالی قریه قیام آباد.

"نتیجه حاصل از این اجتماع این شد که هم فرماندار وقت آقای یزدانی وهم هیئت شورای پنج نفره انقلاب جواب مثبتی به ما ندادند، ما را به دادگستری و از آنجا به کمیته کشاندند و سپس جواب منفی دادند و حتی به متشاکیان ما که مفاز و منزلشان در آمل هست اخطار نکردند که از جان زنان و کودکان ما چه می خواهند.

ما کشاورزان مایوسانه و ناامید برگشتیم و امیدمان به حمایت همشهریان است. ما کشاورزان به روستا برگشتیم برای اینکه کمیته انقلاب به درد ما نمی رسد و خود باید درد خود را دوا کنیم. تمام مالکین و سرمایه دارانی که معرفی کردیم اگر باریگر به زمین های مایبند و مزاحم شوند، از خود دفاع



صحنه ای از تظاهرات و راهپیمائی روستائیان قیام آباد آمل

کشاورزان قریه قیام آباد آمل (شاه محله سابق) ، روز پنجشنبه ۳۰ فروردین ۵۸ بمنظور اعتراض به اعمال جنایتکارانه مالکین و سرمایه دارانی که موجب نابودی خزانه شالیهایشان شده اند، با همراهی زنان و فرزندانشان روستا را تخلیه کردند و بطرف شهر کوچ کردند و ضمن اجتماع در میدان فرمانداری به دادن شعارهای زیر پرداختند.

"با بود باد توطئه مالکین و سرمایه داران ضد خلق"
"قشرده تر باد صفوف آزادگان"
"زمین مال کسی است که روی آن کار می کند."
آنان پس از مذاکره با مسئولین امر در روز بعد اعلامیه ای پخش کردند. در قسمتی از اعلامیه آمده است:

شهادت استاد

هاشم احمدزاده

پرچم سرخ قیام
روبه خورشید بجوشید و درخشید، به کوه لرزه آوردید
بازای باد سحر
بوی خون شهدارای برسان تا به شمال بکشان تا به جنوب ...

چرا استاد هاشم احمدزاده ترور شد؟ مسئول این ترور چه کسانی هستند؟ گناه او این بود که از منافع زحمتکشان دفاع می کرد. از درد ورنج آنها سخن می گفت. گناه او این بود که خواستهای رفقای همزم و دانشجوی خود را نمایندگی میکرد و این برای ارتجاع زخم خورده و امپریالیسم خونخوار بزرگترین گناه است و تحمل آن غیرممکن. ارتجاع و امپریالیسم برای ادامه استثمار و سلطه خود بر زحمتکشان باید جلوی هر نوع روشنگری را بگیرد.

بقای ارتجاع و امپریالیسم بر ناکاهی مردم استوار است.

حاضر نیستیم مثل گذشته در فقر و فلاکت زندگی کنیم

- ۱- تقسیم مجدد و عادلانه زمین بین روستائیان.
- ۲- لغو تمام بدهیهای روستائیان و برداخت وام بدون بهره.
- ۳- کمک برای حفر چاه و تأمین تراکتور و سایر وسایل کشاورزی.
- ۴- احداث راه بین مهربان و براغوش و لوله کشی آب و کشیدن برق.
- ۵- ایجاد درمانگاه، مدرسه و فروشگاه تعاونی و کارخانه در روستا.

حق گرفتنی است، نه دادنی

رضایفه - کارگران کارخانه سنگ بری البرز رضایفه که در تاریخ چهاردهم فروردین دست به اعتصاب زدند و بدنبال آن علیه کارفرما به اداره کار شکایت کردند همچنان به مبارزه خود با کارفرما ادامه می دهند. این کارگران در یک قطعنامه ۱۴ ماده ای خواستهای خود را مطرح کردند. کارفرما در جواب این خواستها که عموماً در قانون کار ارتجاعی رژیم سابق نیز درج شده است، می گوید:

اعلام همبستگی کتابفروشان

دانشجویان انستیتو بازرگانی تبریز، دانش آموزان دبیرستانهای منصور و سعیدی زنوز و مردود... که در ساختمان آموزش و پرورش تبریز متحصن شده بودند پشتیبانی کردند. در این اعلامیه هرگونه تفرقه اندازی در صفوف متحد خلق محکوم شده و مجازات عاملین اختناق و فشار و کسانی که آزادی مردم و مراکز فرهنگی و انقلابی را سلب می کنند خواسته شده است.

تبریز - کتابفروشان تبریز در اعلامیه ای ضمن محکوم کردن ارتجاع و عواملی که می کوشند اختناق بوجود آورند، همبستگی خود را با بنیروهای مترقی اعلام داشتند و آنها از خواستهای برحق دانش آموزان و



توطئه گران مرتجع

نقده را چگونه بخون کشیدند

میان توده های مردم هرگز اختلاف رنگ ، اختلاف زبان ، اختلاف دین ، اختلاف لباس و ... منازعه و نفاق بر نمی خیزد . دعوی بین مردم همیشه دعوی بین ستمگر و ستمکش ، بهره کش و بهره ده و حق کش و حق طلب بوده است . ولی چه بسا که ستمگران ، بهره کشان و سلسله جویان ، در یک کلام دشمنان خلق ، با استفاده از ناآگاهی مردم مبارزات حق طلبانه ی آنها را به بیراهه کشانده ، گروههای مختلف مردم را در مقابل هم قرار داده و آنها را به برادرکشی وادار کرده اند . دشمنان مردم با این توطئه ها موفق می شوند که مقاصد پلید خود را که همان تسلط بر توده های مردم و تداوم اعمال ستم و بهره کشی است ، جامه عمل بپوشانند . دعوی شیعه و سنی ، فارسی و ترکمن ، ترک و کرد و غیره و غیره به تمامی دسیسه های دشمنان خلق هستند . امروز ما شاهد ریخته شدن خون دهبها و بلکه صدها مرد وزن ، پیرو جوان از مردم زحمت کش نقده (چه ترک و چه کرد) هستیم . چه بسیار از این گلگون کفنان که کوچکترین نقشی در درگیریها نداشته اند . اما دشمنان مدام به این جنگ برادرکشی دامن می زنند . ترکها رادشمن کردها و کردها رادشمن ترکها می نمایند ، و مردم ناآگاه تصور می کنند که این ، واقعا یک جنگ بین ترک و کرد است .

تشکیل چنین کمیته هایی جوابگوی نیاز های مردم شهر نبوده و نیست . مردم شهری که طی سالیان دراز در کنار هم زندگی کرده اند و مسائل و مشکلات مشابهی نیز دارند که باید بطور مشترک حل و فصل شود ، در حالیکه ایجاد دو کمیته و آنها را ترک و کرد جدا از هم جز نفاق افکنی و ایجاد اشکالات بیشتر نتیجه دیگری نمیتواند داشته باشد . وقایع اخیر این شهر بروشنی صحت این مطلب را نشان می دهد .

وقایع از چندی پیش چنین آغاز شد در اواسط فروردین ، در یکی از دبیرستانهای شهر ، چند دختر دانش آموز اعلامیه هایی را به دیوار نصب می کنند که با مخالفت دانش آموزان ترک زبان روبرو می شود . این امر به درگیری بین چند دانش آموز منجر می شود . در این میان کمیته شماره ۱ به جای حل اختلافات با فرستادن ۲۵ مرد مسلح به آن دبیرستان عملا برخوردی در این زمینه انجام نمی دهد . از طرفی دانش آموزان کرد طی یک راهپیمایی کوتاه اعمال کمیته شماره ۱ و تعدادی از دانش آموزان ترک را محکوم می کنند .

در این میان عناصر و عوامل ارتجاع با نفاق افکنی این اختلافات کوچک را دامن می زنند و جو شهر را با شایعه پراکنی مسموم می کنند .

در تاریخ ۱۹ فروردین بین افراد کمیته شماره ۱ و شماره ۲ برخورد مسلحانه ای پیش آمد که طی آن یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند که خود اختلافات را تشدید و شهر را آماده حوادث بزرگتری کرد .

روز ۳۰ فروردین ، قاسم سلو برای برگزاری میتینگ حزب دمکرات در استاد بوم ورزشی این شهر ، از یکی از روحانیون بانفوذ شهر به نام محرر ، کسب اجازه می کند . محرر که در کمیته شماره ۲ نقش چندانی ندارد ، میتینگ را با مانع می بندد . ولی افراد مسلح کمیته شماره ۱ بعلت اینک محرر چند روز قبل در خانه خود با داریس بازرانی ملاقات کرده بود ، دست به توطئه و شایعه پراکنی می زنند و محرر را متهم می کنند به اینکه ترکها را به کردها فروخته است . از طرف دیگر معبودی رئیس کمیته شماره ۱ که یکی از عوامل رژیم سابق و از روحانیون قشری و متمصبی است به کمک عامل خود ، بدالله علی زاده ، در شهر شایع می کنند که در میتینگ روز جمعه ۳۱ فروردین حزب دمکرات حتما درگیری پیش خواهد آمد .

صبح روز جمعه ، با بی توجهی به این شایعات میتینگ برگزار می شود . حزب دمکرات که برای نگهبانی از استاد بوم و حفظ نظم در استاد بوم افراد مسلح کمارده

بود ، از یک طرف ذهن توده ترک از شایعاتی مبنی بر اینکه کردها می خواهند بر شهر مسلط شوند پر شده بود . و از طرف دیگر تجمع ۳۰ تا ۴۰ مرد مسلح جلوی کمیته و خواندن سرودهای مذهبی ، به اغتشاش ذهنی ترکها دامن می زد .

در آغاز میتینگ افراد مسلح کمیته چند تیره هوائی شلیک کردند و افراد مسلح حزب دمکرات با چند شلیک هوائی جواب دادند . مردم از شلیک تیره ها وحشت زده قصد فراری می کنند . ولی قاسم سلو با بلند گو آنها را به آرامش دعوت می کند و اطمینان می دهد که شلیکها هوائی بوده ، شلیکهای هوائی همچنان در چند نوبت تکرار می شود و سروصدای تیره در سطح شهر می پیچد . در این هنگام از یکی از خانه های مجاور استاد بوم چند تیره به میان جمعیت شلیک و چند نفر زخمی می شوند . کردهای مسلح فوراً کمانی را که از درون خانه شلیک کرده بودند (یک پدروپسر) به قتل می رسانند . پس از این ماجرا کمیته امام وارد میدان می شود . کردها که متفرق شده بودند بطرف منطقه های کرد نشین به راه می افتند و در بیابان راه عده ای از ترکها را بعنوان گروگان با خودشان می برند . از این لحظه به بعد جنگ تحت عنوان کرد و ترک آغاز می گردد .

کردها در آغاز می کوشند با شعار کرد و ترک برادرند و برادرکشی نباید کرد ، از جنگ پیشگیری کنند . ولی افراد مسلح کمیته شماره ۱ از تیراندازی باز نمی ایستند و همچنان بطرف کردها شلیک می کنند .

روز اول درگیری مردم بطور دسته جمعی به هم کمک می کردند و زخمیها را فوری با آمبولانس به بیمارستان می رسانند ولی روز بعد جنگ حالت دیگری به خود گرفت . کردها و ترکها مسیر جاده ها را سد کرده بودند ، از اعزام نیروهای مخالف خود ، جلوگیری می کردند . سهراهی میباد ، نقده ، ارومیه در دست کردها بود و ترکها در فاصله ۱۵ کیلومتری آنها مستقر شده بودند . در تمام جاده های اطراف نقده ، اتومبیلها با زرسو بدقت از نفوذ نیروهای کرد پیشگیری می شد .

در روستاها ، هرنیرویی زوروش بیشتر وعده اش کثیرتر بود ، دیگری را زده بیرون می راند . تمام جاده ها پر از آوارگان کرد و ترک شده بود . در مسیر نقده آواره های ترک روزه دهات دیگری رفتند و در مسیر یک کوره راه بطرف میباد ، آواره های کردی که بطرف این شهر فراری کردند ، دیده می شدند . در مسیر جاده پیرانشهر ترکها بطرف شهر در حرکت بودند . بطور کلی اطراف شهرستان نقده ، در اختیار نیرو های اعزامی کرد نشین بود . بیمارستان و مخایرات شهر در اختیار افراد کمیته شماره ۱ قرار داشت . در حالیکه کردها تپه شهر را در اختیار گرفته بودند . اطراف بیمارستان

از روز قبل اجبارا در شهر مانده بود ، عملا هیچ کاری نمی کند و از ترس در اداره مخا برات متحصن می شود .

ارتباط با شهرهای دیگر کاملاً قطع می شود (مگر از طرف کمیته شماره ۱ که مخایرات را در دست داشت) از راد بوهم هیچ پیامی پخش نمی شود . هیچ یک از رهبران مذهبی در آرام کردن مردم نقش فعالی ندارند . توده مردم زحمتکش ناخواسته درگیر آنچه جنگی شده بودند که هر لحظه شدیدتر و وخیم تر می شد . در این میان فرصت طلبان ، تفرقه اندازان و عوامل امپریالیسم و ارتجاع داخلی از فرصت استفاده می کنند و با شایعه پراکنی نفاق اندازی و جنگ افزوری اختلافات را دامن می زنند و مردم را بیشتر تحریک می کنند .

بعلت اغتشاش جاده ها هیچ هیئتی نمی توانست برای مذاکره و برقراری آتش بس وارد شهر شود . آیت اله فوزی هم پیشنهاد کرده بود در صورتیکه کردها شهر را ترک کنند آتش بس برقرار می شود . کردها که از نظر غذایی و داروئی شدیداً درمضیق بودند ، دسته دسته خودشان را از کوره راهی به میباد می رانند . ساعت ۳/۵ بعد از ظهر روز شبیه تعداد کشته ها و زخمی ها طبق آمار بیمارستان به ۴۹ نفر می رسد . با اینکه از صبح روز شبیه افراد مسلح محرر با بلند گو از مردم می خواهند دست از تیراندازی بردارند ولی افراد مسلح کمیته بعلت انتقام جوئی ، با آتش بس مخالفت می کنند . دکترهای بیمارستان که دائم در معرض خطر مرگ بودند برای برقراری آتش بس تلاش بسیار کردند . یکی از دکترها بعلت اینکه بیمارستان شدیداً تحت فشار کمیته شماره ۱ قرار گرفته بود به محرر شکایت می کند و سپس به آیت اله طالبقانی تماس می گیرد و وقایع را بازگو می کند . ولی برای تماس با آیت اله خمینی بعلت اشغال بودن دائم تلفن

نگ بر توطئه گران و نفاق افکنان

تلاش بی ثمر می ماند . شبیه حدود ساعت ۷ بعد از ظهر بین دکتر برزنجی و محرر و کمیته شماره ۲ توافق می شود که نمایندگان دوطرف برای مذاکره روز بعد در منزل بزچلو حضور یابند .

شب شبیه دار و دسته مجاهد ملاحسنی به دعوت کمیته شماره ۱ وارد شهر می شوند . با ورود آنها آتش بس برقرار می شود . ولی در ذهن مردم مسلم بود که فردا نه تنها آتش بس می کشند ، بلکه کشتار و وحشیانه ای نیز به راه خواهد افتاد . همینطور هم شد . ساعت ۷ صبح یکشنبه آتش بس شکست . در این روز جنگ به شکل حادثی بروز کرد . تعداد کشته ها و زخمیهای بیمارستان به ۲۹ نفر رسید .

کمیته شماره ۱ به بهانه های مختلف آتش جنگ را بیشتر شعله ور می کرد . بطوری که تنها بیمارستان بیمارستان را به بهانه اینکه کرد است و ممکن است غذاها را مسموم کند دستگیر کرد . این قبیل کارها در گوشه و کنار شهر بسیار به چشم می خورد و بر وخامت اوضاع می افزود .

کمیته شماره ۱ و رئیسش معبودی این همه نفاق اندازی را کافی ندیدند و به شایعات دیگر از قبیل متهم کردن کمونیستها متوسل شدند . تا جائیکه حتی فردی را به نام سعادت که ۶ سال عمر خود را در زندانهای رژیم فاسد شاه گذرانده بود ، بعنوان کمونیست تحت تعقیب قرار دادند و به خانواده اش امانت کردند و سر آخر هم او را که حاضر به جنگ نبود به زور دستگیر کردند . کمیته شماره ۱ به وحشت و ترورچنان دامن زده بود که بعنوان مثال افراد زخمی که به بیمارستان منتقل می شدند با هجوم افراد مسلح کمیته روبرو می شدند و تا با شناسنامه ترک بودنشان ثابت نمی شدند نمیتوانستند وارد بیمارستان شوند .

از طرف دیگر افراد کمیته شماره یک و عوامل ملاحسنی که خانه های کردها را شناسائی می کردند و افراد خانواده را قتل می رسانند . حمله به خانواده حبیب پناه یکی از این موارد است که بعلت خوشامی و محبوبیت بین مردم شهر را ترک نکرد بودند . افراد کمیته ۴ برادر و داماد حبیب پناه را دستگیر کردند و جلوی در بیمارستان آنها را به گلوله بستند . در این میان حتی یکی از افراد وابسته به کمیته که با این عمل مخالف بود با گلوله کشته شد . فقط یکی از برادرهای حبیب پناه که زخمی شده بود جان سالم بدر برد و به بیمارستان پناهانده شد . رئیس کمیته شماره ۱ و بدالله علیزاده با افراد مسلح برای پس گرفتن زخمی به بیمارستان حمله کردند و با تیراندازی آنها ترس و وحشت بر بیمارستان مستولی و فریاد پرستارها از هر طرف بلند شد . سرانجام دکتر دیوانی یکی دیگر از دکترها با افراد مسلح وارد مذاکره شدند و حاضر نشدند زخمی را بدهند و خواستار خروج افراد مسلح شدند .

کمیته بعلت اینکه زخمی های ترک در بیمارستان زیاد بودند و هنوز خبری از دکترهای تهران نرسیده بود ناچار از تحویل زخمی صرف نظر کردند . ساعت یک ربع به چهار همان روز آتش بس برقرار شد . طی این مدت

کمیته بعلت اینکه زخمی های ترک در بیمارستان زیاد بودند و هنوز خبری از دکترهای تهران نرسیده بود ناچار از تحویل زخمی صرف نظر کردند . ساعت یک ربع به چهار همان روز آتش بس برقرار شد . طی این مدت

اگر به ستمی که به ما میشود اعتراض کنیم، اخلا لگرو خیانتکار هستیم؟

آیا برای گرفتن حق خودمان از کارفرما باید متهم بشویم و شکنجه بشویم؟

این روزها عناصر مرتجع و عوامل امپریا - لبسم به نیکو افتاده اند ، توطئه می چینند ، جنگ افروزی می کنند ، به هر بهانه ای متوسل می شوند و با تحریف و افتراء در همه جا تخم نفاق می پاشند ، تا کارگران و زحمتکشان را در برابر ستم قرار دهند . غافل از اینکه مردم ستم دیده کشور ما ، از قیام خونین چنان آبدیده بیرون آمده اند که هرگز فریب دروغ پر - دازان را نخواهند خورد .

نامه ای داریم از کارگران یک شرکت ساختمانی که درگیر بها و گرفتاریهای خود را در جریان مبارزاتشان نقل کرده اند و خواسته اند تا برای آگاهی بیشتر سایر کارگران ایران در نشریه کارمنگس شده و مشخص شود این نیروهای ارتجاعی که دست به همان شیوه های تفتیش عقاید ساواک می زنند از کجانبیرو می گیرند و نماینده چه کسانی هستند . مادر اینجا بخشی از نامه را عینا می آوریم :

"ما کارگران شرکت ساختمانی ، قبل از قیام یک شورای کارگری درست کردیم . بعد هم با تحصن و اعتصاب از اخراج کارگران جلوگیری کردیم . بعد از قیام ، کمیته کارگری که ما تشکیل داده بودیم کوشش زیادی کرد و دست صاحب شرکت را رو کرد و زدید پیش را بر ماسلا کرد . بطوریکه صاحب شرکت و همدستانش ممنوع الخروج شدند (به ما ماض دادستان انقلاب) .

صاحب شرکت در صدد انتقال م برآمد و یک عده او باش را با باطوم و چماق به جان نماینده ها انداخت و آنها را راهی بیمارستان کرد .

ما به کمیته شکایت کردیم . صاحب شرکت را بازداشت کردند و بعد بقیه ضمانت آزاد شد . چند روز بعد که قرار امروزه به درودیوار شهر اعلامیه های ضد کمونیستی می چسبانند ، آنهم به کودکانه ترین شکل که حاکی از بیسوادی کاتب ، طراح و پخش کننده است . اگر کسی در عمرش دو کتاب هم خوانده باشد ، به بجه گانه بودن این اعلامیه های می برد . اما این جو سموم که بر اثر تبلیغات امپریا - لیستها ، آنهم به احمقانه ترین شکل پیش آمده باید از بین برود . هر آدمی عقیده ما را خواند ، فهمید و خواست رد کند می توانیم با او بحث کنیم . اما اگر کسی خواست برای ما به جای نوشتن مار ، عکس مار را بکشد و از توده ناگاه نظر بخواد و هنوز توده جواب نداده چماق تکفیر را بر سر ما بکوبد زیر بار نخواهیم رفت . شما فکر می کنید کدام یک از این چماق بدستان و عریده - کشان که به ما حمله می کنند ، حتی پنج سطر مطلب راجع به ما خوانده باشند ؟ تا

بود خودش را معرفی کند ، غیبش زد . قرار شد که نمایندگان مصدوم بابک مامور کمیته بروند و صاحب شرکت را پیدا کنند . وقتیکه ما دفتر شرکت مراجعه کردیم شخصی آمد و به ما موری که با ما بود گفت : "تو دخالت نکن . من خودم به کمیته تلفن می کنم" . مامور اعتراض کرد . آن شخص گفت "اگر حرف بزنی و دخالت کنی گزارشت را می دهم و می گویم که تو هم کمونیست هستی" . مامور عصبانی شد و گذاشت رفت . ما ماندیم . ناگهان یک مینی بوس پیرا پاسداران مسلح سر رسید ، ما را محاصره کردند ، دستور دادند بدون یک کلام سئوال و جواب سوار مینی بوس شویم ، وقتی ما اعتراض کردیم که برای چه ؟ ما که خلاف نکردیم ، گلنگدن زدند . ما سوار شدیم . در بین راه چشم ما را بستند . کمی دورتر دستهای ما را هم بستند . ما را بردند به زندان ، جدا جدا زندانی کردند . تا شب چشمهایمان بسته بود . ساعت یک ما بردند بازجویی بازجو گفت - چکاره ای و چه کردی ؟ کارگران از کارفرما کتک سیری خورده ام .

گفت - بین اینجا هم دستت از تبلیغ بر نمی دارد . چند کلاس درس خوانده ای ؟ چند وقت است کار می کنی ؟ گفتم - هشت کلاس ، از ۲۱ سالگی کار می کنم . - چه کتابهایی خوانده ای ؟ بگو . - خاطر نیست ؟ - نام نویسنده هائی که خوانده ای بگو ، چند تا را بگو . - سارتر ، دولت آبادی ، دکتر شریعتی . - درباره سندیکا و حقوق کارگران چه چیزها خوانده ای ؟ - اخیرا چند اعلامیه در این مورد خوانده ام . - نظرت راجع به کارگران چیست ؟ - باید متحد باشند ، سندیکا و شورا داشته باشند تا از حقوق صنفی و سیاسی

شایب شود که یا مامور است یا ناگاه ، ما کدام اعلامیه ضد مدعی ، ضد دینی و ضد خدائی داده ایم ؟ به ما می گویند که سازندگی کنید . اصلا خاصیت مرام ما سازندگی است . می خواهیم همه چیز را بر پایه های صحیح بسازیم . اما بسازیم که چه کسی منفعت ببرد ؟ آیا کارخانه دارها ، سلف خرها ، تیولداران زمینداران بزرگ ، بانکدارها ، حاجی های نزول خوار و تمام زالوصفتان دیگر محصول کار ما را نخواهند خورد ؟ اینها را کنار بگذارید یا حتی نشان بدهید که می خواهید کنار بگذارید ، خرطوم مکنده آنها را کنار بزنید آنوقت ، هر کدام به اندازه چهار نفر کار خواهیم کرد . اما من حاضر نیستم بخاطر اینکه فلان کارخانه دار وابسته دخترش را به خارج بفرستد و یا فلان زمیندار روزی سه

خود دفاع کنند . مگر کارگر حق سیاسی دارد ؟ نگنداز کتابهای مارکسیستی خوانده ای ؟ برداشتی از فلسفه مارکسیستی چیست ؟ - برداشتی ندارم . - ای حرامزاده دروغگو (بلند شد و رفت دو تا کاغذ آورد) . - هر چه به من گفتی کاملا واضح بنویس . خلاصه بعد از بازجویی و رفت و آمد و این حرفها ، ما را بردند ، بازرسی کردند و به سلول فرستادند . چه بگویم ؟ بعد از ۲۴ ساعت دوباره همان کارها تکرار شد بالاخره ما را سوار ماشین کردند ، بین راه ماشین چند ساعت خواب شد . مردم جمع شده بودند ، ما را نشان می دادند و می گفتند ضد انقلابی هستند ، ساواکی هستند ، چماق بدستند . بالاخره ما را بردند یک جای دیگر . چند ساعتی با چشم بسته روبه دیوار نشانند . در اینجا بود که عصبانی شدم سرم را آنچنان به دیوار زدم که متوجه شدنند . آمدند و گفتند چه خبر شده ؟ مگر دیوانه شده ای ؟ گفتم شما نه از مسلمانانی نه از انسانیت بوئی نبرده اید . ما کارگر هستیم . مگر چه خلافی کرده ایم ؟ با صاحب شرکت و سرمایه دار مبارزه داریم . چرا کسی گوش به حرف ما نمی دهد ؟ یکی گفت : شعار نده ، شعار نده . بعد ما را فرستادند میان خیل ستمگران رژیم سابق میان دزد چماق بدست ، ساواکی ، سرهنگ ، سپهبد ، جاسوس .

بعد از دوروز هم تعهد دادیم که کاری را که نکرده ایم ، دیگر تکرار نکنیم . پیش خود فکر می کردم بالاخره فهمیدند که حق با ما بود و در مورد ما توطئه شده . ولی بعد فهمیدم که زن و بچه ما رفتند وزارت کار متحصن شدند و بخاطر فشار زن و بچه های ما بود که آزاد شدیم .

کارگران: چه کسانی تحریک میکنند؟

لول تریاک دود کند و یا فلان حاجی اسمی سه زن عقدیش را تبدیل به چهار زن عقدی و چندین صیغه کند ، جان بکنم ، ما کار خواهیم کرد . تا آنجا که جان داریم کار خواهیم کرد ، ولی بشرط آنکه برای خودمان کار کنیم ، نمی توان و نباید جلوس کسی را گرفت که بکارگرمی گوید متحد باش ، سندیکای فرمایشی درست نکن ، سندیکا مال خودت باشد ، منافعت را در نظر بگیر ، حتی اگر کسی خواست حقت را بخورد اعتصاب کن . حقت را بگیر نگذار بساط قدیم علم شود ، نمیتوان چنین شخصی را به بهانه کمونیست و صد البته بقول سرمایه داران و مرتجعین به بهانه خدانشناسی گرفت و از آگاه شدن کارگران جلوگیری کرد . آیا آگاه کردن کارگران عملی غیر اسلامی است ؟ آیا متحد کردن کارگران عملی غیر اسلامی است ؟

بقیه از صفحه ۱

کارگران با اقدام انقلابی...

این کارگران ، باین عمل انقلابی ، بار دیگر نشان دادند که اگر کنترل تولید و توزیع کارخانه بدست کارگران بیافتد و کارگاهها بدست کارگران اداره شود ، تا چه اندازه میتواند در پیشبرد کارها موثر باشد .

مادر اینجا بیانیه کارگران را که گویای چگونگی مبارزاتشان می باشد عینا نقل می کنیم . این بیانیه در عین سادگی و اختصار ، حاوی نکات برجسته و محتسوی ارزنده ایست که از روحیه انقلابی و مبارزه جویانه کارگران و میزان کارآئی ایمن بر پایه ترین طبقه اجتماعی ، خبر می دهد .

چرخهای کارگاه ما بدون وجود کار فرما بدست کارگران بکار افتاد .

واقعیه هنگامی آغاز شد که کارفرما همه ما (۱۵ نفر کارگر) را در تاریخ ۱۵/۱/۵۸ بطور دسته جمعی از کار اخراج کرد . هنگامیکه ما برای آگاهی از دلیل اخراج به شرکت مراجعه کردیم با استقبال مسلسل یوزی عامل کارفرما روبرو شدیم ولی ما نهراسیدیم ، مقاومت کرده و در همانجا متحصن شدیم و حتی کارفرما را در جمع خود نگهداشتیم که البته بعدا وسیله ماموران مسلح کمیته فراری داده شد . در ضمن تحصن با مراجعه به وزارت کار و دادگستری و همچنین کمیته های امام خواهان رسیدگی به این کار شدیم ولی نتیجه ای حاصل نشد و همه جا جواب سر بالا شنیدیم . ناچار دست به اعتصاب غذای زدیم .

۲۵ روز تحصن هم - همراه با ۴ روز اعتصاب غذا ، نتیجه ؟ هیچ !

در حالیکه بازوان پرتوان مابنی عمل و بچه های ما گرسنه اند ، در حالیکه بحران اقتصادی و تعطیل کارخانه ها میهنمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است ،

در حالیکه رهبر انقلاب ضرورت به کار انداختن چرخهای اقتصاد مملکت را بارها متذکر می شوند ،

در حالیکه چرخهای کارگاه مادر حال رنگ زدن و از کار افتادن بود ،

چه باید می کردیم ؟ برای ما کارگران

و بچه های ما به کار خود ادامه می دهیم و هیچ کس و هیچ نیروئی نمی تواند ما را از این راهی که انتخاب کرده ایم منصرف کند . ما با این اقدام انقلابی خود ثابت کردیم که : کارگران می توانند و باید کارخانه های تعطیل شده به وسیله کارفرمایان ضد انقلابی را بکار اندازند .

کارگران شرکت تولیدی شن و ماسه "متوساک" (۵۸/۲/۱۱)

چرا باید اسم ما در روزنامه «کار» نوشته شود؟

راستی چرا؟! چرا باید اسم کارگران در روزنامه بیاید ؟ چرا باید مبارزات حق طلبانه کارگران در روزنامه منعکس شود ؟ چرا باید روزنامه ای بخود این اجازه را بدهد که خبر شکل کارگران در یک شورای کارگری را چاپ کند ؟ اصولا چرا باید روزنامه های کثیر الانتشار کشور این خبر را چاپ نکنند اما " کار " به خود این اجازه را بدهد که این جریان مبارزاتی را چاپ کند ؟

کمی ببیند بشیم ! آیا بواقع اینها سئوالاتی است که ذهن کارگران را بخود مشغول می کند ؟ یا نه ؟ سئوالاتی است که ذهن کارفرمایان و سرمایه داران را به خود مشغول می کند و

است ؟ آیا سندیکای واقعی برای کارگران درست کردن عطفی غیر اسلامی است ؟ اصولا فرق تحریک کردن و روشن کردن را شرح دهید و بگوئید چه عملی روشن کردن و افشاکاری است و چه عملی تحریک کردن است ؟

آنها را شدیداً عصبانی می کند و ادارشان می کند که عکس العمل هائی هیجانی و تند از خود بروز دهند ؟ آیا واقعا کارگران از این امر ناراحت هستند که یکی شدنشان ، تشکلشان ، سیر مبارزاتشان و بالاخره دستاوردهای انقلاب - پیشان در روزنامه ای منعکس می شود و به اطلاع دیگر هموطنان باالخاص دیگر زحمتکشان می رسد و تجربه آنها به دیگر زحمتکشان کشورشان منتقل می شود ؟ یا نه ، این کارفرمایان هستند که با اطلاع از انعکاس این خبر پشتشان می لرزد ، فریادشان به آسمان می رود و دندانهایشان از خشم به هم قفل می شود و برای روزنامه رگزارش گران خط و نشان می کشند ؟

آیا همین کارگران نبودند که در شرایط خفقان و دیکتاتوری شاهانه با پذیرش هزاران خطر ، درگوشی و بیچسب - کنان خبر مبارزات و دستاوردهایشان را در گوشه و کنار کارخانه و روی صندلی اتوبوسها به یکدیگر منتقل می کردند



چگونه عمال ارتجاع در کمیته آبادان فدائیان خلق را شکنجه کردند

نماینده وزارت کار بجای توجه به حقوق کارگران...

در روز ۳۱ فروردین عده ای جوان ناآگاه و تحریک شده به سرپرستی اوپاش شهر آبادان که عموماً به چاقو و دشنه و پنجه بوکس و چاق مجبزه بودند به اجتماع دیپلمه های بیکار متحصن در شهرداری حمله می کنند و بزور آنها را از محل تحصن بیرون می کنند و به دنبال این عمل ننگین بطرف ستاد فدائیان برآمده می افتند. رفقای داخل ستاد به محض اطلاع از این یورش با کمیته تماس می گیرند (با این تصور که شاید کمیته بی خبر باشد!) ولی عملی می برند که کمیته در جریان هست و حتی قبل از حمله، اتومبیل لندرور کمیته کنار ستاد توقف می کند و دو عضو کمیته که با خود کلاشینکف و مسلسل یوزی حمل می کردند به جمعیت می پیوندند. سنگر می گیرند و به طرف ستاد نشانمروی می کنند. شخص دیگری که خود را مسئول کمیته معرفی کرده بود دست به تحریک جماعت میزند و به رفقای می گوید: "این ها از جانشان سیر شده اند و حمله می کنند، شما باید اینجا را تخلیه کنید." رفقا پیشنهاد می کنند که مساله را با مذاکره حل کنیم و چنانچه مردم بخواهند محل را تخلیه کنیم، بدون درگیری و تنش صورت بگیرد. اما آنها از قبل تصمیم خود را برای یورش به ستاد و غارت آن گرفته بودند و همین کار را کردند. وسائل چاپ، پرورنده های موجود، کتابها و هر چیزی را که در آنجا بود، با شیوه وحشیانه ای به غارت بردند و حتی کانال های کولچر را از داخل دیوار بیرون کشیدند و در همین ضمن عمال کمیته به شکل ریاکارانه مطرح می کنند: "ما می خواهیم شماره راحتی از اینجا خارج کنیم تا درگیری پیش نیاید. بعد هم وسائل ستاد و سلاحهای سازمانیتان را به شما برمی گردانیم." بدنبال این قول، در ساعت ۳ بعد از ظهر ۴۹ نفر از افراد داخل ستاد را به ساختمان ساواک (کمیته فعلی) می برند. ابتدا ۲ نفر را

جدا می کنند و به سلولهای انفرادی انتقال می دهند. از ساعت ۵ تا ۱۲ شب چهار نفر دیگر را می برند. ۲ نفر را به عنوان نماینده به جای نامعلومی می فرستند و ۲ نفر دیگر را به انفرادی می برند. ساعت ۱۲/۵ شب "علی محمدی" با تعداد دیگری از اعضاء کمیته می آیند تا با زهم بازداشت شدگان را منفرّد کنند. آنها مقاومت می کنند و نمی روند. علی محمدی ضمن فحاشی فریادی کشید من "علی محمدی" هستم مرا بشناسید. (این سخن فریادها و رفتارها برای آنهاست که حسینی ها، رسولی ها و تهرانی ها را می شناسند تداومی تلخی است) آنها با نثار فحشهایی که هیچکدامش قابل ذکر نیست با سروصورت پوشیده "اللهاکبر" گویان "باباطوم و جماعت میله آهنی بطرف رفقا یورش می برند و آنها را تا ساعت سه بعد از نیمه شب شکنجه می دهند. وقتی که می بینند بازور و شکنجه به جایی نمی رسند، حاضر به مذاکره می شوند! بالاخره از ساعت ۳/۵ فردای آن شب دسته دسته رفقا را به پایگاه نیروی هوایی کلانتری ۳ و خسروآباد منتقل می کنند و عده ای را در کمیته نگاه میدارند. از ساعت ۶ بعد از ظهر رفقا اعلام اعتصاب غذایی کنند. اینبار توسط افرادی که لباس نیروی دریایی به تن داشتند به پایگاه نیروی دریایی خر مشهر برده می شوند و ساعت ۹ صبح فردا آنها را به کمیته بازمی گردانند که وقتی با اجتماع هواداران در جلوی کمیته روبرو می شوند، مجدداً آنها را به پایگاه می فرستند. آنها ساعت ۱/۵ بعد از ظهر از یک درپنهانی (باشگاه ایران) به کمیته برگردانند. می شوند و به سلولهای انتقالی می یابند که هنوز شعارهای "درد بر فدائیان" از دیوارهایشان پاک نشده بود.

حمله به ستاد فدائیان خلیق در آبادان و رفتار وحشیانه و شرم آوری که برخی از ارتجاعیون کمیته با رفقای ما داشته اند، نمیتواند با سایر فجایعی که در گوشه و کنار کشور رخ می دهد بی ارتباط باشد. مادر عین حال که مجربان چنین توطئه هائی را افراد ناآگاه و مرتجع می شناسیم، مسیبین اهل وطن و وطنیان این فجایع را امیرالیزم و ایدئوسوشالیسم آن و مرتجعین بنام، می دانیم. ما ایمان را سخنداریم که خلق کبیر (ما) با اعتبار آگاهی از دسائس شومی که بر علیه او و فرزندانش رزمندگانش در حال تکوین و اجراست (قدرت آنرا خواهد داشت که هر پرده ای را که در پشتش علیه انقلاب خونین ایران چنین توطئه هائی چیده می شود پاره کند و مشت عمال امیرالیزم و ارتجاعیون وابسته را باز کند.

نماینده وزارت کار - کارگران عزیز تا الان هم شما سر داد ما بدهم سرمایه دار برای اینکه از این ضررها جلوگیری کنیم بنابه گفته امام هر چه زودتر سر کار حاضر شوید. ما هم در عوض حقوق دو ماه شما را پرداخت می کنیم.

نماینده کارگران - شما که حقوق عقب افتاده سه ماه و نیم را به دو ماهه تقلیل داده اید هیچ فکر کرده اید که این مقدار اصلاً جواب قرضهائی را که طی این مدت بیکاری کرده ایم نمی دهد؟ چرا سه ماه سه ماه و نیم بیکار بودیم شما می خواهید حقوق دو ماهه را بدهید؟

نماینده وزارت کار - شما که کار نکردید که الان حقوق می خواهید.

نماینده کارگران - کارفرما بود که ما را بیرون کرد و به میل خودش کارگاه را تعطیل کرد در ثانی این خواست رهبر انقلاب بود که ما کار نکنیم.

نماینده وزارت کار - اگر شما این پول را قبول نکنید مجبور هستیم مبلغ تعیین شده در قطعنامه وزارت کار (۲۵۰- تومان برای کارگر مجرد و ۹۰۰- تومان برای کارگر متأهل) را قبول کنید.

نماینده کارگران - در این وضع تورم اقتصادی ما بازن و بچه کرایه خانه و خوراک چطور می توانیم با این پول زندگی کنیم؟ در ثانی مبلغ ۱۲۰۰ تومان که شرکت می خواهد به ما بدهد باز هم جواب گوی خرج ما نیست.

نماینده وزارت کار - می خواهید از همان اول با این حقوق کار نکنید.

کارگر - ما مجبور بودیم این را قبول کنیم. چون کار و پول نداشتیم.

نماینده وزارت کار - تو اصلاً جواب گوی خرج ما نیست.

نماینده وزارت کار - می خواهید از همان اول با این حقوق کار نکنید.

کارگر - ما مجبور بودیم این را قبول کنیم. چون کار و پول نداشتیم.

نماینده وزارت کار - تو اصلاً جواب گوی خرج ما نیست.

بقیه از صفحه ۹

توطئه گران مرتجع...

آیت الله شیخ عزالدین حسینی در برقراری این آتش بس کوشش بسیار کرد. حتی هیئت نمایندگی که به نفع فرستاده بود در محمد یار دستگیر و با اهانت بسیار روبرو شدند. چنانچه استاندار به محل نئی رسید افراد این هیئت جان سالم به در نمی بردند.

ساعت ۷، بین ارتش و طرفه های درگیر، بر سر آتش بس توافق وزمینه تا حدودی برای توافق های بعدی آماده شد. ساعت ۶/۳۰ ارتش وارد شهر نقرده شد و دوباره از یک ربع ساعت برای استقرار در دهات اطراف دوباره از شهر خارج شد. فرمانده ارتش با وجود وضع ناسامان شهر عملاً هیچ کاری انجام نداد و حتی به بیمارستان که محل پارکینگ نفربرهای ارتش بود سری نزد بدینجهت شکستن دوباره آتش بس، اینبار در اثر بی مسوولیتی ارتش بود که جای ایفای نقش ادعائی اش یعنی حفظ جان و مال مردم، عملاً نقش تماشاچی را بازی کرد.

ساعت ۷/۵، آتش بس باردیگر شکست و تیراندازی دوباره شروع شد. حتی اتومبیل حامل هیئت نمایندگی آیت الله شریعتمداری و بارزانی به گلوله بسته شد که سه نفر جا بجا کشته شدند و نفر چهارم (دکتر کمال نماینده بارزانی) به بیمارستان منتقل شد. به محض انتقال به بیمارستان، باردیگر سرورگه افراد مسلح کمیته پیدا شد که خواستار اعدام نماینده بارزانی بودند. اینبار نیز دکترها از تحویل زخمی خودداری کردند و اجاراً برای حفاظت از بیمارستان از افراد مسلح مجرر کمک گرفتند.

از ساعت یک تا سه شب تیراندازی شدید می شود.

ساعت ۴ صبح تانکهای ارتش به روستای بالخی حمله و رمی شونند. کردها سنگر های خود را به روستای دیگر منتقل می کنند. ساکنین در روستای بالخی که با بچه هایشان در حال فرار بودند مورد حمله تانکها قرار می گیرند و ۵ یا ۶ کودک زیر چرخهای تانک کشته می شوند.

درباره اساسنامه...

در ادامه ماده ۶ می خوانیم که چنانچه در مسائلی پیش فرمانده یگان و شورای مربوطه عدم هماهنگی وجود داشته باشد موضوع به شورای مرکزی ستاد نیرو و ارتجاع و تصمیم نهائی از ستاد نیرو به یگانها اعلام می شود.

مادراتر برای روشن کردن خصوصیات که ارتش نوین و انقلابی (از نظر پرسنل انقلابی نیروهای مسلح) می باید داشته باشد به قسمتی از بیانیه توضیحی پرسنل انقلابی ارتش اشاره می کنیم.

۱- ارتش نوین انقلابی باستانی در کارهای عمرانی و نوسازی جامعه همراه با سایر افراد اجتماع همکاری و مشارکت داشته باشد. با استفاده از این نیروهای عظیم انسانی، پیشرفت جامعه تسریع می شود و آنجا که این نیروها با افراد جامعه همگام هستند، خلعت ضد مردمی پیدا نکرده و خود را از جامعه جدا حس نخواهند کرد و فاصله بین ارتش و ملت که اکنون بر اثر بیذیریم

۳- پرسنل ارتش انقلابی باید دارای حق شرکت در انتخابات مجلس باشند و در فعالیتهای اجتماعی - سیاسی آزاد باشند زیرا بدین وسیله است که آگاهی پرسنل ارتش بالا می رود.

۴- وظیفه ارتش نوین انقلابی دفاع از موجودیت و استقلال میهن است.

۵- در ارتش نوین انقلابی شخصیت و حقوق اجتماعی سربازان همواره باید بر سرل و رده های بالا برابر خواهد بود. در ارتش ضد خلقی به حقوق این قشر وسیع اجحاف می شود و این یکی از دلایل تضعیف ایمان و روحیه آنان بود.

تأمین رفاه و آسایش پاسداران و رعایت کامل اصول پاسداری، لغویگاری و تصویب قانون داوطلب بودن نظام وظیفه و دادن حقوق مکفی به سربازان از جمله مسائلی هستند که در ارتش نوین انقلابی مورد اجرا قرار خواهند گرفت.

توطئه مشترک امریکا - اسرائیل و ارتجاع عرب در جنوب لبنان

در حالیکه خلقهای جهان بخصوص مردم منطقه خاورمیانه تنفر و انزجار خود را نسبت به قرارداد خائنانه مصلحت‌پرسان اسرائیل با اعتراضات و عکس العمل‌های شدید ابراز می‌کردند، ناگهان سرگرد حداد، فرمانده راست گرایان جنوب لبنان، دست به اقدام کودتاگرانه ای زد. او در چهارشنبه ۲۹ فروردین تاسیس دولت "لبنان آزاد" را در جنوب این کشور اعلام کرد. او ضمن گفته است که تصمیم دارد سایر نقاط لبنان را "آزاد" کند! قوای حداد یکی از متحدین "جبهه لبنان" به رهبری کامیل شمعون رئیس جمهور اسبق دست راستی لبنان است. همان جبهه ای که نیروهای پیرجمایل رهبر فالانزیست های لبنان نیز از متحدانش هستند. بنابراین به روشنی معلوم است که اقدام حداد نقشه مشترک نیروهای راست گرای مسلمان و مسیحی در لبنان است.

جمهوری حداد سرزمینی را به مساحت تقریبی ۹۰۰ کیلومتر مربع و با جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر شامل می‌شود. این منطقه سرزمینی است که در حالی که خلقهای جهان بخصوص مردم منطقه خاورمیانه تنفر و انزجار خود را نسبت به قرارداد خائنانه مصلحت‌پرسان اسرائیل با اعتراضات و عکس العمل‌های شدید ابراز می‌کردند، ناگهان سرگرد حداد، فرمانده راست گرایان جنوب لبنان، دست به اقدام کودتاگرانه ای زد. او در چهارشنبه ۲۹ فروردین تاسیس دولت "لبنان آزاد" را در جنوب این کشور اعلام کرد. او ضمن گفته است که تصمیم دارد سایر نقاط لبنان را "آزاد" کند! قوای حداد یکی از متحدین "جبهه لبنان" به رهبری کامیل شمعون رئیس جمهور اسبق دست راستی لبنان است. همان جبهه ای که نیروهای پیرجمایل رهبر فالانزیست های لبنان نیز از متحدانش هستند. بنابراین به روشنی معلوم است که اقدام حداد نقشه مشترک نیروهای راست گرای مسلمان و مسیحی در لبنان است.

جمهوری حداد سرزمینی را به مساحت تقریبی ۹۰۰ کیلومتر مربع و با جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر شامل می‌شود. این منطقه سرزمینی است که در حالی که خلقهای جهان بخصوص مردم منطقه خاورمیانه تنفر و انزجار خود را نسبت به قرارداد خائنانه مصلحت‌پرسان اسرائیل با اعتراضات و عکس العمل‌های شدید ابراز می‌کردند، ناگهان سرگرد حداد، فرمانده راست گرایان جنوب لبنان، دست به اقدام کودتاگرانه ای زد. او در چهارشنبه ۲۹ فروردین تاسیس دولت "لبنان آزاد" را در جنوب این کشور اعلام کرد. او ضمن گفته است که تصمیم دارد سایر نقاط لبنان را "آزاد" کند! قوای حداد یکی از متحدین "جبهه لبنان" به رهبری کامیل شمعون رئیس جمهور اسبق دست راستی لبنان است. همان جبهه ای که نیروهای پیرجمایل رهبر فالانزیست های لبنان نیز از متحدانش هستند. بنابراین به روشنی معلوم است که اقدام حداد نقشه مشترک نیروهای راست گرای مسلمان و مسیحی در لبنان است.

تنبیه و شکنجه کارگران در کارخانه

کارخانه قرقره زرین حدود ۵۰ نفر کارگر دارد که تقریباً نصف آنها ایرانی و بقیه پاکستانی و افغانی هستند. از کارگران ایرانی عده ای زن هستند. چند نفر از کارگران کمتر از ۱۸ سال دارند و حتی کارگران دختر و پسر ۱۲ الی ۱۳ ساله نیز در بین آنها دیده می‌شود. مدیریت کارخانه را حاج محمد لاهیجانیان به عهده دارد. شرایط اختناق و فشار در این کارخانه تا بدان حد است که کارگران کم سن و سال را تنبیه بدنی می‌کنند و شکنجه می‌دهند.

مثلاً دختری را مجبور کردند که در دفتر مدیریت کارخانه وزیر نظر خود او یک گلدان را بالای سرش نگه داشته و یک پایش را بالا نگاه دارد. وی با یکی از کارگران پسر را که در حدود ۸ سال سن دارد، آنقدر زدند که تا سه روز نتوانست در محل کارش حاضر شود. کارفرما و نماینده کارگران و سرپرست ها هیچکدام حاضر نیستند حقوق کارگران را به رسمیت بشناسند و امکانات رفاهی کارخانه در حدود صفر است.

در اولین برخوردی که کارگران برای گرفتن خواسته‌هایشان داشتند، کارفرما مستقیماً به آنها جواب داد: نمی‌دهم، هر کس اعتراض دارد می‌تواند حقوق خود را بگیرد و برود بیرون. عده‌ای گفتند ما قبلاً کارگر اینجا بوده ایم و بدون گرفتن سابقه نمی‌رویم ولی کارفرما بدون دلیل چهار نفر از آنها را با شدت مورد تنبیه و شکنجه قرار داد.

کارگران پس از برخورد های بی نتیجه خود با کارفرما، تصمیم گرفتند به وزارت مراجعه کنند. سه بار به وزارت کار مراجعه کرده و وضع خود را با آنها در میان گذاشتند.

ولی هیچ نتیجه ای نگرفتند. سرانجام عده‌ای از کارگران تصمیم گرفتند دسته جمعی دست به حرکت اعتراضی بزنند به همین علت نمایندگان واقعی خود را انتخاب کردند و دسته جمعی به وزارت کار رفتند. پس از این حرکت دسته جمعی بود که کارفرما مجبور شد قدری نرمش نشان دهد.

بالاخره تحت فشار کارگران در آخرین مراجعه، دو نفر از نمایندگان کارگران را به وزارت کار فراخواندند تا با آنها در مورد اتهاماتی که کارفرما به آنها وارد می‌کرد مذاکره نمایند. ولی در مقابل دلایل و تائیداتی که کارخانه که توسط نمایندگان کارگران مطرح شد، هم کارفرما و هم وزارت کار مجبور شدند در مقابل خواسته‌های آنان تسلیم شوند و قول دادند که خواسته‌های آنان را که به شرح زیر است، رسیدگی کنند:

- ۱- اخراج و سلب مصونیت از مدیر کارخانه.
- ۲- دادن حق مسکن و خواربار، اولاد و سود ویژه.
- ۳- منع شب کاری (بخصوص برای زنان)
- ۴- اخراج باقی مانده کارگران اخراجی
- ۵- منع جریمه های نقدی و تنبیه بدنی که به ازاء دیر آمدن به سرکار دریافت می‌گردد، رسیدگی به وضع غذا و ناهار - خوری، درست کردن رخت کن.
- ۶- بالا بردن حقوق کارگران با توجه به سوابق کار و هزینه زندگی.
- ۷- رسیدگی به وضع بیمه و مالیات و بازنشستی.
- ۸- تاسیس شرکت تعاونی.

جنگ داخلی در نیکاراگوئه

در هفته گذشته یک صد چریک مبارز از جبهه "ساند نیستا" پیشنهاد متارکه جنگ را رد کردند و در شهر استلی (با جمعیت ۲۵ هزار نفر) در داخل سنگرها و پشت باریکادها موضع گرفتند. در جریان جنگهای خونین قیام ساند نیستا در سپتامبر گذشته تعداد صد نفر در این شهر به شهادت رسیدند.

جوانان مخالف رژیم فاشیستی سوموزا در این شهر سرعت به چریکها پیوستند و سوگند یاد کردند که تا آخرین نفر در کنار چریکها خواهند جنگید. ستون با تجهیزات کامل از گارد ملی سوموزا که محبز به نانک بوده و توسط هواپیماهای موشک انداز حمایت می‌شدند از شهر ماناگوا به مواضع انقلابیون حمله کردند. در جریان جنگهای خونینی که پس از محاصره در گرفت، صد ها نفر کشته شدند و بیش از ۱۵۰ نفر به دهکده های اطراف پناه بردند. یکی از چریکها گفته است: "در اینجا فقط اجساد کشته شدگان باقی خواهد ماند. ما کشته خواهیم شد ولی تعداد زیادی از افراد گارد ملی رانیز با خود به دیار نیستی خواهیم فرستاد".

در طی چند هفته گذشته انقلابیون یک پادگان کوچک دولتی را در آل ژیکارو بکلی منهدم کرده و یک هواپیما (سی ۴۷) را نیز تخریب کرده اند.

اعتصاب کارگران بارانداز در بنادر جنوب فرانسه

از آذرماه سال گذشته یک سری اعتصابات متناوب ولی پیگیر و با برنامه توسط باراندازان بنادر جنوب فرانسه جریان دارد.

این اعتصابات توسط کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه سازمان داده شده و هدف آن دست یابی به خواسته های زیر است:

- ۱- پنج هفته مرخصی سالانه با استفاده از حقوق.
- ۲- ایجاد صندوق خدمات اجتماعی با استفاده از عوارض وصول شده از کشتی ها.
- ۳- افزایش غرامت پرداختی به کارگران بمناسبت روزهای تعطیل.
- ۴- به حساب آوردن روزهای بیکاری در سنوات خدمت (در خصوص بازنشستگی).
- ۵- افزایش وجه پرداختی به میزان ۲۵ درصد به کارگران در روزهایی که به علت نبودن کالا برای بارگیری یا تخلیه کارگران بیکارند.

اعتصابات تا پیروزی کارگران ادامه خواهد داشت.

مشاور وزیر اطلاعات و جهانگردی، بروی کارمندان متحصن اسلحه کشید

در تاریخ ۵ فروردین ماه بر اساس گزارش رسیده:

به هنگام تحصن کارمندان وزارت اطلاعات و جهانگردی که به انتصابات نابجا و اخراج گروهی از کارمندان اعتراض داشتند "محمد منتظری" مشاور وزیر بروی کارمندان متحصن اسلحه کشیده است و در مقابل این عمل احفان حاضران او را خلع سلاح کرده اند.

اگر چه بدنبال این ماجرای شرم آور، وزیر اطلاعات مجبور شد اعتراف کند که "این حرکت ناشی از جوانی و بی تجربگی محمد منتظری است" ولی در مقابل این توجیه وزیر، کارمندان و "همه مردم" می پرسند، پس چرا محمد منتظری "جوان بی تجربه" مشاور وزیر شده است؟ آیا خطا الرجال موجود است برای گرداندگان امروزی امور، میتوانستند توجیه این انتصابات خطرناک باشد؟

ماضن اینکه چنین اعمالی را شدیداً محکوم می کنیم هشدار می دهیم که این انتصابات و وقوع چنین اعمال نسنجیده و خطرناکی، در مقابل مردمی که توانسته اند پروژه کارآمدترین دیکتاتورها و قدره بندگان را خنک بماند، چیزی جز افزون بر انزجار عمومی را بدنبال نخواهد داشت.

برگزاری جشن اول ماه مه در شیلی ممنوع شد

دولت شیلی تظاهراتی را که از سوی سندیکای این کشور به مناسبت اول ماه مه قرار است برگزار شود ممنوع اعلام کرده است. بنا به گفته سخنگوی دولت این تظاهرات "یک حرکت سیاسی غیر قابل پذیرش" خواهد بود.

این سخنگو افزود: مناسبت اول ماه مه گروههای دست چپی قصد ایجاد آشوب در کشور، تحریک افکار عمومی و به هم زدن نظم را دارند!

قطع رابطه با مصر یک اقدام انقلابی و ضد امپریالیستی

خلقهای قهرمان ایران در راه رژه ضد امپریالیستی خود همواره از مبارزه قهرمانانه خلقهای تحت سلطه امپریالیسم و به ویژه خلق قهرمان فلسطین حمایت و پشتیبانی نمودند.

مرد مبارزها فریاد زدند: "امریکا، امریکا، دشمن خلق ایران، فلسطین، فلسطین متحد خلق ما".

"انور سادات" این سگ زنجیری امپریالیسم بدون توجه به خواسته های خلقهای مصر و فلسطین و تمام خلقهای منطقه به عقد قرار دادن ننگین با اسرائیل اقدام نمود و عملیات اقدام نمود و عملیات اقدام نمود مردمی و ضد فلسطینی خود افزود و طبیعی است که این اقدامات ضد مردمی رژیم صر نمی توانست از جانب مردم ایران بدون عکس العمل باشد.

اعتراضات و تظاهرات وسیع مردم مطایحه رژیم مصر تجلی حمایت بی دریغ خلقهای ایران از خلق قهرمان فلسطین می باشد. قطع رابطه با مصر اقدامی انقلابی و برجسته است که مورد حمایت کامل سازمان چریکهای فدائی خلق و همه نیروهای ترقیخواه میهن است.

مرگ برای امپریالیسم امریکا و وابستگانش